

گفتگو با
مصطفی
هجری



زبان
مادری،
ملیت و...



گزینه
همچنان
(وی ...)



کردها
در (وند
حوادث ...)



جشن
فاونگار
و ...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۵۶۹، دوشنبه، ۳۰ آبان ۱۳۹۰، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱، ۱۵۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

سلفن

کریم پرویزی

دفاع از کشور یا دفاع از ستم

به علت خودسری‌های جمهوری اسلامی و دخالت‌هایش در منطقه و حمایت رژیم ولی فقیه از تروریسم در سراسر جهان، این رژیم باز هم تبدیل به تیترا خبری اخبار جهان شده و قطعنامه‌ها و تحریم‌ها علیه رژیم تهران یکی پس از دیگری صادر می‌شوند و در این میان بحث حمله نظامی به این رژیم داغ‌تر و جدی‌تر می‌شود.

اینکه حمله نظامی به تأسیسات و مراکز اتمی و نظامی رژیم جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد یا خیر؟ و سؤالاتی از این قبیل، موضوع اصلی بحث ما نیست، ولی آنچه که در اینجا لازم است مورد اشاره قرار گیرد، مواضع تعدادی از شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی ایرانی در داخل و خارج از کشور است که قابل بحث بوده و جای تأمل دارد. هر بار و با جدی‌شدن احتمال حمله نظامی به تأسیسات و مراکز نظامی جمهوری اسلامی ایران، جریان‌های سیاسی در ایران هر کدام به نوعی موضع گرفته و نظر و اعتقادات خود را به نسبت آن مسئله ابراز می‌دارند. جریان‌هایی نیز هستند که بدون آنکه دارای تحلیل و برآورد متفاوتی باشند تنها به بهانه‌ی دفاع از مین و مهر به وطن‌شان، اعلام می‌دارند که مخالف حمله به تأسیسات جمهوری اسلامی هستند و با احتمال رخ دادن چنین حمله‌ای در کنار جمهوری اسلامی می‌ایستند و داعیه‌ی دفاع از کشور را دارند. اینکه هیچ مین‌پرستی دوست ندارد کشورش مورد حمله خارجی قرار بگیرد، جای تعجب و سؤال نیست و این امری طبیعی و ابتدایی است که هر کسی دوست داشته باشد و وطنش آباد بوده و درگیر جنگ نباشد. آیا ایجاب نمی‌کند که در این باره اندیشید که این رژیمی که هم‌اکنون بر سر کار است و بیش از سی سال است که مردم را سرکوب و چپاول می‌کند، بیش از هر نیروی خارجی، شهروندان این کشور را کشته و جوانان این مین را به زندان‌ها افکنده و کشور را با ویرانی و عقب‌افتادگی روبرو کرده است؟

آیا رژیم جمهوری اسلامی کمتر از نیروهای خارجی متخاصم قرون وسطایی، جنگ‌های امپراطوری‌ها، شرافت انسانی را در ایران مورد تحقیر قرار داده؟ این رژیم به حدی عقب‌افتادگی اقتصادی، بحران، گرانی، تورم اقتصادی، بیکاری و اعتیاد برای مردم ایران به ارمغان آورده که هیچ دشمن خارجی قادر نیست اینگونه مردم ایران را مورد استعمار و ظلم قرار دهد.

آیا تکرار این جملات که در صورت حمله نظامی به تأسیسات جمهوری اسلامی از وطن دفاع می‌کنیم، این واقعیت را بیان نمی‌کند که این گونه نیروها نگران سرنگونی و از بین رفتن ستم و سرکوب رژیم تهران هستند و به هیچ وجه دلسوزی واقعی برای ایران ندارند؟ مین‌پرست واقعی، علاوه بر آنکه مخالف جنگ و حمله نظامی است، دشمن و مخالف جمهوری اسلامی نیز می‌باشد و این رژیم را عامل اصلی فقر و عقب‌افتادگی ایران می‌داند.

رژیم در یک روز دو قطعنامه کسب کرد

تداوم خشونت‌ها در سوریه، و فشارهای بین‌المللی علیه این کشور

خشونت‌ها و کشتار معترضان سوریه توسط نیروهای دولت بشار اسد همچنان ادامه دارد. اتحادیه عرب در نشست چهارشنبه ۱۶ نوامبر و در چارچوب طرحی که پیشتر ارائه داده بود (فرستادن گروهی ناظر، متشکل از ۵۰۰ شخصیت حقوقی، نظامی و رسانه‌ای به سوریه) به دمشق هشدار داد که میان همکاریها و تحریم‌ها یکی را انتخاب کند. به گزارش بی بی سی حکومت بشار اسد در سوریه به طور مشروط با سفر یک هیأت ناظر از سوی اتحادیه عرب به آن کشور موافقت کرده است. اتحادیه عرب در نشست ۱۲ نوامبر خود عضویت سوریه در این اتحادیه را به حالت تعلیق درآورد. کشورهای آلمان، فرانسه و بریتانیا پیش نویس قطعنامه‌ای را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه کرده‌اند که بر توقف موارد نقض حقوق بشر در سوریه تأکید داشته و خواهان اجرای طرح اتحادیه عرب برای توقف خشونت‌ها در سوریه است. این قطعنامه روز سه شنبه یکم آذر ماه در مجمع عمومی به رأی گیری گذاشته می‌شود. دیده بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد که در تظاهرات "جمعه اخراج سفرا" در این کشور که در ۲۰۰ منطقه سوریه برگزار شد، دست کم ۲۱ نفر توسط نیروهای امنیتی کشته شده‌اند.



در این قطعنامه از یوکیا آمانو، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ۳۲ رأی موافق، دو رأی مخالف و یک رأی ممتنع با تصویب قطعنامه‌ای، نسبت به برنامه هسته‌ای ایران ابراز نگرانی عمیق و فزاینده کرد. در این قطعنامه از تهران خواسته شده است که به طور کامل و بی‌درنگ به تعهداتش که در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل درج شده است عمل کند. تحویل دهند. همچنین در همین روز، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ۳۲ رأی موافق، دو رأی مخالف و یک رأی ممتنع با تصویب قطعنامه‌ای، نسبت به برنامه هسته‌ای ایران ابراز نگرانی عمیق و فزاینده کرد. در این قطعنامه از تهران خواسته شده است که به طور کامل و بی‌درنگ به تعهداتش که در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل درج شده است عمل کند.

بانک مرکزی و وزیر خارجه ایران در لیست تحریمهای جدید

این سازمان را برعهده داشت وجود دارد. تحریم‌های حکومت سونیس علیه جمهوری اسلام در حال حاضر ۲۵۰ فرد حقیقی و حقوقی را شامل می‌شود. همچنین پارلمان اروپا در روز پنجشنبه، ۲۶ آبان، با صدور قطعنامه‌ای از شرکت‌های اروپایی خواست تا از فروش فناوری‌ها و خدماتی که می‌توانند از سوی مقامات ایران به منظور سانسور اطلاعات و نظارت بر شهروندان مورد استفاده قرار گیرند، خودداری کنند. پارلمان اروپا در این زمینه به شرکت نرم افزاری بریتانیایی "گریبیتی سافت ور" اشاره می‌کند که فناوری مربوط به مکان یابی را در اختیار شرکت ایرانسل قرار داده است.



روز جمعه، ۲۷ آبان ماه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه پیشنهادی عربستان سعودی در محکومیت "طرح ترور سفیر عربستان سعودی در آمریکا" را با ۱۰۶ رأی موافق، ۹ رأی منفی و ۴۰ رأی ممتنع به تصویب رساند. در این قطعنامه از ایران خواسته شده که به تعهدات بین‌المللی در زمینه حفاظت از جان دیپلمات‌ها احترام بگذارد و همچنین "گسائی که در این عملیات دست داشته‌اند" را به دادگاه در ادامه روند تحریم‌ها علیه ایران روز پنجشنبه، سناتورهای آمریکایی طرح جدیدی را برای به اجرا گذاشتن تحریم علیه بانک مرکزی ایران ارائه دادند. این طرح در صورت تصویب پارک اوپاما، این اختیار را می‌دهد که دارایی‌های نهادهای مالی خارجی در آمریکا که با بانک مرکزی ایران معامله می‌کند را مسدود کرده و با آنها قطع رابطه کند.

دولت سونیس در گامی دیگر برای تشدید تحریم‌های خود علیه جمهوری اسلامی نام ۱۱۶ نفر را به لیست سیاه افراد حقیقی و حقوقی تحت تحریم‌های سفری و تجاری افزود. به گزارش خبرگزاری فرانسه، از این ۱۱۶ فرد حقیقی و حقوقی ۱۱۱ شرکت و پنج نفر از مقامات سازمان انرژی اتمی ایران و از جمله علی اکبر صالحی که پیشتر ریاست

تداوم دیالوگ و حل مسالمت‌آمیز مسئله کرد در این کشور افزایش یافته بود، گزارش به موانع و محدودیت‌هایی اشاره کرده بود که بعضاً با تحریکات جمهوری اسلامی به مانع و سدی بر سر راه مذاکرات و تلاش‌های سیاسی تبدیل می‌شوند.

پلنوم ابراز امیدواری کرد که ترکیه مسئله کرد را با راه‌حلی مسالمت‌جویانه حل کند و با این اقدام موقعیتی بهتر و مناسب‌تر برای خود در سطح جهان و منطقه کسب نماید، لازم است که جریان‌های کردی در ترکیه نیز با خوانشی صحیح و برآوردی واقع‌بینانه برای حل مسالمت‌جویانه مسئله‌ی کرد تلاش کنند و بهانه به دست دشمنان ملت کرد در ترکیه ندهند.

گزارش به وضعیت ملت کرد در عراق و شرایط خروج نیروهای آمریکایی از این کشور اشاره نموده و نگرانی خود را در این رابطه که با خروج نیروهای آمریکایی از عراق شرایط و فضا برای دخالت‌های جمهوری اسلامی در عراق فراهم شود، ابراز داشت. در همین چهارچوب، گزارش مزبور سیاست رهبری اقلیم کردستان در تلاش برای حل مسائل سیاسی و مشکلات داخلی را مثبت دانسته و ابراز امیدواری نموده بود که اقلیم کردستان به سمت توسعه و امنیت بیشتر گام بردارد.

پلنوم بعد از بحث و بررسی هر کدام از موارد اشاره شده در گزارش دبیرکل، آن را تصویب نمود و چند پیشنهاد نیز برای فعال‌تر نمودن ارگان‌های حزبی به دفتر سیاسی ارائه نمود.

پلنوم بعد از دو روز کار مداوم و بحث در رابطه با قسمت‌های مختلف دستور کار، عصر روز یکشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۰ خورشیدی برابر با ۲۰/۱۱/۲۰ میلادی به کار خود پایان داد.

حزب دمکرات کردستان ایران
دفتر سیاسی
۳۰ آبان ۱۳۹۰ خورشیدی
۲۱ نوامبر ۲۰۱۱ میلادی

بیانیه‌ی دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت پایان پلنوم دوازدهم کمیته‌ی مرکزی

حرکت‌های سیاسی و مدنی در سال گذشته و در مناسبت‌های گوناگون بیانگر این واقعیت می‌باشند، به همین خاطر، پلنوم این رسالت حزب دمکرات کردستان ایران دانسته که برای اتحاد و همصدایی مبارزات توده‌های مردم و سازماندهی بیش از گذشته تلاش نماید.

در بخش دیگری از مباحث مربوط به ایران و کردستان، به اصطلاح انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی و تلاش‌های رژیم برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به عدم اعتقاد رژیم به انتخاباتی آزاد و دمکراتیک و محدود نمودن فرصت و فضای انتخاب نمایندگان واقعی مردم، پلنوم به این نتیجه دست یافت که به اصطلاح انتخابات این بار فاقد هر گونه دستاوردی برای مردم خواهد بود.

در رابطه با مسئله‌ی کرد در سوریه و گسترده‌تر شدن مبارزات مردم در آن کشور علیه دولت حاکم، گزارش به وضعیت گذشته و کنونی ملت کرد در آن کشور اشاره کرده بود، در این رابطه، نقش اکثریت کردهای آن بخش از کردستان را در تشکیل کنگره ملی کرد در قامیشلو با هدف همصدایی و اتحاد مبارزات ملت کرد دوشادوس نیروهای دیگر اپوزیسیون سوریه علیه دولت این کشور با هدف دستیابی به خواست‌های دمکراتیک‌شان ارزنده قلمداد نموده و همچنین ابراز امیدواری شده بود که با پیروزی مبارزات مردمی در سوریه، کردهای این کشور نیز از وضعیت سیاسی اسفبار موجود رهایی یابند.

در رابطه با وضعیت ملت کرد در ترکیه بعد از انتخابات پارلمانی اخیر که امیدها به



خواهند داد. در همین رابطه قطعنامه‌ی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد، رژیم را بیش از پیش تحت فشار قرار خواهد داد. در چنین اوضاع و احوال سیاسی‌ای که منطقه با تحولات قریب‌الوقوعی روبروست، پلنوم ضروری دانست که نیروهای سیاسی و دمکراتیک ایران و کردستان بیش از گذشته برای همکاری و اتحاد تلاش کنند و تأثیر بیشتری از خود بر جای بگذارند.

در گزارش، وضعیت مبارزات ملت کرد به صورت کلی مورد بحث قرار گرفت و وضعیت هر بخش از کردستان با مد نظر قرار دادن وضعیت سیاسی ملت کرد در هر کشوری بررسی و در این رابطه اشاره شده بود که مبارزات مردم کرد در کردستان ایران سواً تمام فشارها و سرکوب‌های رژیم و تجمع نیروهای نظامی در این منطقه به بهانه‌های متفاوت همچنان ادامه داشته و

کشورهای مزبور و روابط آنان در سطح جهانی و منطقه‌ای، روند خاص خود را پیموده و سرانجام توده‌های مردم به‌باخاسته به اهداف خود نائل خواهند گردید. در چهارچوب این بحث همچنین به اوضاع سیاسی و اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی و بحران‌هایی پرداخته شده بود که در سطح داخلی و بین‌المللی گریبانگیر جمهوری اسلامی ایران شده، به ویژه که این رژیم به سیاست سرکوب و ارباب‌علیه آزادخواهان ایران ادامه داده و از سوی دیگر اوضاع نابسامان اقتصادی و کاهش سطح تولید به دلیل سیاست ناکارآمد رژیم، زندگی و معیشت مردم را در شرایط دشوار قرار داده است. انتظار می‌رود که ادامه‌ی این سیاست سبب تشدید فشار بر رژیم شده و عواقب جنین وضعیتی بیش از پیش گریبانگیر مردم کم‌درآمد گردد.

گزارش در رابطه با جمهوری اسلامی به این مسئله اشاره نموده بود که گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شفاف‌تر و بیش‌تر از گذشته، پرده از اهداف رژیم در رابطه با غنی‌سازی اورانیوم برداشته، که این امر برخلاف ادعاهای رژیم مبنی بر فقدان هرگونه هدف نظامی در ورای برنامه‌ی هسته‌ای ایران می‌باشد، همچنین محکومیت جمهوری اسلامی توسط کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در رابطه با نقض حقوق بشر، افشای توطئه‌ی تروریستی برای ترور سفیر عربستان سعودی در آمریکا و تداوم سیاست مداخله و ایجاد ناامنی در کشورهای منطقه، از مسائل مورد اشاره در گزارش بودند که علی‌رغم تلاش کشورهای همچون روسیه و چین، رژیم را بیش از پیش به سوی انزوای سوق

به اطلاع می‌رسانیم، کمیته‌ی مرکزی منتخب کنگره‌ی چهاردهم حزب دمکرات کردستان ایران، رأس ساعت ۹:۳۰ دقیقه، صبح روز شنبه، ۲۸ آبان ۱۳۹۰ خورشیدی برابر با ۱۹ نوامبر ۲۰۱۱ میلادی، دوازدهمین پلنوم خود را با حضور اعضای اصلی و علی‌البدل و مشاوران کمیته‌ی مرکزی برگزار نمود.

پلنوم با یک دقیقه سکوت به احترام شهدای راه آزادی و قربانیان زلزله‌ی استان وان ترکیه آغاز گردید. سپس مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران دستور کار پلنوم را به حاضران در پلنوم ابلاغ نمود. پس از بحث و بررسی و تصویب برنامه‌ها، بخش نخست کار پلنوم که عبارت بود از گزارش سیاسی مربوط به آخرین تحولات منطقه، ایران و کردستان در فاصله‌ی زمانی دو پلنوم، توسط دبیرکل حزب ارائه گردید.

در بخش دوم گزارش، به بحث از کنگره‌ی پانزدهم حزب و چگونگی برگزاری آن پرداخته شده و پیشنهاد دفتر سیاسی در رابطه با ترکیب کمیته‌ی برگزاری کنگره به حاضران ابلاغ و پس از بررسی آن توسط پلنوم به تصویب رسید. کمیته موظف گردید که مطابق با رهنمودهای کمیته‌ی مرکزی آغاز به کار نموده و گزارش کار خود را به پلنوم آینده‌ی کمیته‌ی مرکزی ارائه کند.

همچنین نماینده‌ی کمیته‌ی امور حزب در خارج از کشور گزارشی درباره‌ی کار و فعالیت تشکیلات حزبی در خارج از کشور و برنامه‌ی کار آینده‌ی حزب در خارج از کشور به پلنوم ارائه نمود.

در گزارش سیاسی یک بار دیگر ضمن مروری بر خیزش‌های مردمی در شمال آفریقا و خاورمیانه، فرآیند سیاسی و برگزاری انتخابات در برخی از این کشورها پس از سرنگونی رژیم‌های قبلی مورد اشاره قرار گرفت.

در این رابطه، اهداف این تحولات که سرنگونی رژیم‌های دیکتاتوری و برقراری حکومت مطلوب مردم را تعقیب می‌کند، مثبت ارزیابی شده بود. همچنین گزارش بر آن بود که این مبارزات بر مبنای شرایط هر کدام از

دیدار نمایندگی‌های حدکا و اتحادیه میهنی کردستان در آمریکا

شعبه تشکیلاتی اتحادیه میهنی، در مورد وضعیت کنونی کردستان و منطقه و جایگاه ملت کرد در این تحولات، و همچنین روابط حسنه‌ی دو حزب سخنانی ایراد نمود.

سپس، جمال عبدالله‌زاده، مسئول کمیته حزب دمکرات کردستان در آمریکا، به بررسی نقض حقوق بشر در ایران، به‌ویژه در مناطق کردنشین، رویدادهای منطقه خاورمیانه و احتمال بروز اعتراضات در ایران و آمادگی حزب دمکرات در صورت وقوع هر تغییر و تحولی پرداخت.

هیأت‌های کمیته حدکا در آمریکا و شعبه اتحادیه میهنی کردستان (عراق) در آمریکا با هم دیدار کردند و در مورد مسائل مربوط به منطقه و تأثیرات آن بر کردها و وضعیت آنها به بحث و تبادل نظر پرداختند.

هیأت کمیته حزب دمکرات کردستان ایران در آمریکا با درخواست رسمی شعبه تشکیلاتی اتحادیه میهنی کردستان در آمریکا روز یکشنبه - ۲۹ آبان ماه - در واشنگتن با هم دیدار کردند. در این دیدار نخست "سرور عزیز"، مسئول

دیدار مسئولین روابط حزب کارگر نروژ و کمیته نروژ حدکا

حزب دیدار کرد.

در این دیدار، وضعیت ایران و به‌ویژه کردستان ایران، برنامه اتمی رژیم ایران و سیاست‌های حزب دمکرات در این رابطه، تحولات منطقه و دخالت‌ها و سیاست‌های رژیم در منطقه، اهمیت فرایند دمکراتیزاسیون در منطقه، کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال و تأثیرات آن در آینده‌ی این کشور و همچنین روابط میان حزب دمکرات کردستان و حزب کارگر نروژ مورد بحث قرار گرفتند.

مسئول روابط کمیته حزب دمکرات کردستان ایران در نروژ با مسئول روابط حزب کارگر نروژ دیدار و به تحلیل و بررسی وضعیت ایران، برنامه اتمی رژیم، تحولات منطقه و سیاست‌های رژیم در قبال آنها و اهمیت فرایند دمکراتیزاسیون در این منطقه پرداختند.

به گزارش کوردستان میدیا، عظیم الیاسی، مسئول روابط کمیته حدکا در نروژ روز ۲۷ آبان ۱۳۹۰ با سیگنه برویدست، مسئول روابط بین‌الملل حزب کارگر نروژ در دفتر کار این

حضور نماینده حدکا در کنگره جنبش صلح در پاریس

استقرار صلح در خاورمیانه، در مورد مسائل مربوط به این منطقه، به‌ویژه مسئله فلسطینیان و کردها بعنوان دو مسئله بغرنج خاورمیانه، به ایراد سخن پرداخت.

وی با اشاره به جمعیت ۴۰ میلیونی کردها در کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه، اظهار داشت: این ملت از حقوق ابتدائی خود محروم شده و دولت‌های حاکم به سرکوب شدید و خشونت‌آمیز آنها می‌پردازند.

خسرو عبدالهی خاطر نشان کرد، بدون حل مسئله کرد، خاورمیانه روی ثبات را به خود نخواهد دید.

نماینده حزب دمکرات در حاشیه کار این کنگره با نمایندگان احزاب و شخصیت‌های شرکت‌کننده، از جمله: اریک ازانا، رئیس شورای جنبش صلح، ژان پل هوشون، رئیس شورای شهر پاریس، نماینده فلسطین و نماینده حزب کمونیست سوریه دیدار بعمل آورد و در مورد مسائل مختلف به تبادل نظر پرداخت.

جنبش صلح در سال ۱۹۴۸ توسط شماری از شخصیت‌های فرانسوی دوره مقاومت فرانسه تأسیس شده و مخالف جنگ و به‌ویژه سلاح‌های اتمی و حامی حل مسالمت‌آمیز مسائل و اختلافات بین‌المللی است.

نماینده حزب دمکرات کردستان ایران در کنگره سالانه‌ی "جنبش صلح" در پاریس شرکت کرد و در بخش "صلح در خاورمیانه" مواضع حزب را در رابطه با وضعیت کردها، به اطلاع شرکت‌کنندگان کنگره رساند و در حاشیه‌ی کنگره نیز با شخصیت‌های سیاسی مختلف دیدار کرد.

به گزارش کوردستان میدیا، این کنگره طی روزهای ۱۲ و ۱۳ نوامبر ۲۰۱۱ در پاریس، پایتخت فرانسه با شرکت نمایندگان این جنبش در کشورهای مختلف اروپایی و نمایندگان احزاب و سازمان‌های مترقی و دمکرات غیراروپایی برگزار شد.

خسرو عبدالهی، مسئول روابط خارجی حزب در فرانسه به نمایندگی از حدکا در این کنگره شرکت کرده بود.

موضوعات مورد بحث در روز نخست کنگره به شش موضوع در رابطه با صلح، گسترش فرهنگ صلح و عدم خشونت، از بین بردن سلاح‌های اتمی، پیشگیری از وقوع جنگ و ... تقسیم شده بود که یکی از آنها به موضوع "فعالیت در زمینه استقرار صلح در خاورمیانه" اختصاص یافته بود.

نماینده حزب دمکرات کردستان در بخش

شرکت کمیته آلمان حدکا در مراسم اولین سالگرد وفات رهبر حزب اتحاد دمکراتیک کرد سوریه

هیأتی از کمیته حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان در مراسم گرامیداشت اولین سالگرد وفات اسماعیل عمر، رئیس حزب اتحاد دمکراتیک کرد در سوریه حضور یافت و پیام این کمیته را بدین مناسبت قرائت نمود.

به گزارش کوردستان میدیا، در این مراسم که ۲۲ آبان ۱۳۹۰ در آلمان برگزار شد، مهدی فتاحی پیام کمیته حزب در این کشور را قرائت کرد.

مهدی فتاحی در پیام خود، وفات اسماعیل عمر، بعنوان مبارزی دیرین در مبارزات کردها را صدمه‌ای به جنبش رهایی‌بخش ملت کرد، به ویژه کردهای سوریه، قلمداد نمود. وی در ادامه سخنانش، به ارزیابی وضعیت منطقه و دخالت‌های رژیم ایران در امور داخلی سوریه پرداخت.

شرکت کمیته آلمان حدکا در کنفرانس حزب ترقی خواه کرد سوریه

هیأتی از کمیته حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان در کنفرانسی که حزب ترقی خواه کرد در سوریه - شعبه اروپا برگزار کرده بود، حضور یافت.

به گزارش کردستان میدیا، هیأت مزبور روز ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۰، به سرپرستی شهیار نقشبندی، مسئول کمیته در کنفرانس حزب ترقی خواه کرد در سوریه - شعبه اروپا شرکت کرد و پیام حدکا را ارائه نمود.

شهیار نقشبندی، در این کنفرانس در مورد تغییر و تحولات منطقه و نقش منفی رژیم ایران، به ویژه در سوریه و همچنین ضرورت اتحاد و همبستگی جریان‌های سیاسی کرد در این کشور، به ایراد سخنرانی پرداخت.

بازداشت یکی از اعضای اتحادیه دمکراتیک دانشجویان کرد

آرمان زمانی، یکی دیگر از اعضای اتحادیه دمکراتیک دانشجویان کرد، توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در شهر سنندج بازداشت شده است.

به گزارش وبسایت خبری کردبا، این فعال دانشجویی کرد روز جمعه ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۰ - دستگیر شده، اما دلیل یا دلایل بازداشت وی تاکنون اعلام نشده است. آرمان زمانی، عضو سابق اتحادیه دمکراتیک دانشجویان و عضو سابق کانون "هژان" دانشگاه کردستان بوده، و در رشته مهندسی برق این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده است.

وی هفتمین عضو اتحادیه‌ی مزبور می‌باشد که طی دو ماه گذشته توسط اداره اطلاعات بازداشت شده‌اند. اسعد باقری، مهدی دعاگو، سوران دانشور، میلاد کریمی و شیرزاد کریمی از دیگر اعضای این اتحادیه هستند که پس از بازداشت توسط اداره اطلاعات با قرار وثیقه آزاد شدند.

محکومیت هشت فعال کرد گیلانغربی به ۱۳ سال حبس

هشت تن از فعالین فرهنگی گیلان غرب در مجموع به ۱۳ سال حبس محکوم شده‌اند.

به گزارش کمیته بین‌المللی حقوق بشر در ایران، این فعالین ادبی و فرهنگی کرد، از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب گیلانغرب به اقدام علیه امنیت ملی از طریق هواداری از جریان‌های سیاسی کرد متهم شده‌اند.

بنابراین گزارش، سجاد جهانفرد، عزالدین حیدری و مازیار محمدی هرکدام به یک سال حبس تعزیری، نعیم نجفی، فرهاد وکیلی نیا، جمال خانی و مریم امینی به ترتیب هر یک به ۲، ۳، ۴ و ۱ سال حبس تعلیقی محکوم و سینا بیژن‌پور از اتهام وارده تبرئه شده است.

موج بازداشت این فعالین کرد از تاریخ ۴ مرداد ۱۳۹۰ آغاز شد، که برخی از آنان را با تحت فشار قرار دادن خانواده‌هایشان به ستاد خبری اطلاعات کرمانشاه کشاندند. بعضی از این فعالین پس از یک ماه و برخی دیگر نیز پس از دو ماه حبس در سلول‌های انفرادی هر کدام با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شدند.

دیدار هیأت حدکا در سوئیس با عضو کمیسیون روابط خارجی پارلمان این کشور

با سوماروگا کارلو، عضو پارلمان و از اعضای کمیسیون روابط خارجی دیدار کرد. در این دیدار دو طرف در مورد روابط حزب دمکرات کردستان و حزب سوسیالیست سوئیس، وضعیت ایران و به ویژه کردستان ایران و سیاست‌های کنگره ملیت‌های ایران فدرال به بحث و تبادل نظر پرداختند.

هیأتی از کمیته‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در سوئیس با یکی از اعضای کمیسیون روابط خارجی پارلمان سوئیس دیدار و در مورد وضعیت ایران و سیاست‌های کنگره ملیت‌های ایران فدرال به تبادل نظر پرداختند. به گزارش کردستان میدیا، هیأت حدکا به سرپرستی نامدار الیاسی روز ۲۶ آبان ۱۳۹۰

کمیته حدکا در آمریکا در گردهمایی نخست وزیر اقلیم کردستان شرکت کرد

خود دیده است، از سرمایه‌داران آمریکایی خواست جهت احیا و پیشرفت اقتصادی اقلیم کردستان، در این منطقه سرمایه‌گذاری کنند.

هیأت حزب دمکرات کردستان ایران، متشکل از جمال عبدالله‌زاده (سرپرست)، رحیم رشیدی و محمد کرزالی در حواشی این گردهمایی با برهم صالح و سپس با پول بریمر، حاکم غیرنظامی عراق پس از براندازی رژیم صدام حسین و شماری از شخصیت‌های سیاسی آمریکایی دیدار نمود.

هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در آمریکا در یک گردهمایی که دفتر نمایندگی حکومت اقلیم کردستان در آمریکا برای برهم صالح، نخست وزیر اقلیم، برگزار نمود، شرکت کرد.

به گزارش کردستان میدیا، در این گردهمایی که ۸ نوامبر ۲۰۱۱ در دفتر نمایندگی حکومت اقلیم کردستان برگزار شد، دکتر برهم صالح اهداف خود از سفر به آمریکا را تشریح کرد، سپس با اشاره به ثبات و پیشرفت‌هایی که این اقلیم به

پیام تبریک مصطفی هجری، دبیر کل حدکا، به مناسبت جشن خاونکار



فرارسیدن جشن خاونکار، جشن مذهبی یارسان، را به همه خواهران و برادران کرد پیرو این آئین دیرپا تبریک می‌گویم. آرزویمند این جشن سرآغاز رهایی پیروان آئین یارسان از تبعیضات و ستم‌های مضاعفی باشد که جمهوری اسلامی ایران به دلیل کرد بودن و تفاوت آئین آنها با آئین رسمی رژیم جمهوری اسلامی بر پیروان این آئین تحمیل کرده است.

همیشه در جشن و شادی باشید

حزب دمکرات کردستان ایران

دبیرکل

مصطفی هجری

۱۳۹۰/۰۸/۲۰

برگزاری جشن مذهبی خاونکار در نروژ

پیروان آئین یارسان در کشور نروژ با برگزاری مراسمی در پایتخت این کشور، جشن مذهبی خاونکار را گرمی داشتند، و به جشن و پایکوبی پرداختند.

جشن مذهبی یارسانان - خاونکار - روز شنبه، ۱۳۹۰/۰۸/۲۱، با پیام تبریک شورای فرهنگی یارسان و ایراد سخنانی در رابطه با این جشن، در اسلو، پایتخت نروژ، برگزار شد.

این مراسم با سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت جهت ادای احترام به شهیدان راه آزادی کرد و کردستان آغاز شد. در این مراسم مذهبی نخست "تنبور"، که یک آلت موسیقی سنتی و دارای جایگاه خاص در میان پیروان آئین یارسان می‌باشد، نواخته شد. سپس، حسین خلیفه، پیام شورای فرهنگی یارسان را به مناسبت جشن مذهبی این آئین تقدیم حضار نمود. در ادامه مراسم، خانم بفرین کریمی، در مورد جشن خاونکار و آئین یارسان به ایراد سخنرانی پرداخت.

این مراسم در میان شادی و رقص کردی خاتمه یافت.

دیدار هیئت کومله از مقر دفتر سیاسی حدکا



رویکرد و مواضع حزبش را نیز در این مورد بیان نمود.

دبیرکل کومله، همچنین اعمال فشارهای جامعه‌ی جهانی علیه رژیم ایران به دلیل نقض حقوق بشر، مسئله‌ی سلاح‌های اتمی رژیم و موقعیت رژیم را مورد بررسی قرار داد. دو هیئت همچنین مسائل مربوط به وضعیت جنبش ملی کرد در کردستان ایران را نیز مورد بحث و بررسی قرار دادند.

سیستم‌هایی بر مبنای دمکراسی و در راستای مصالح و منافع مردم زجر کشیده توصیف کرد. دبیرکل حزب دمکرات کردستان همچنین مواضع حزب را در مورد وخامت اوضاع رژیم ایران از لحاظ سیاسی و اقتصادی تشریح کرده و مشکلات و کشمکش‌های داخلی این رژیم را به نفع روند دمکراتیزاسیون و جنبش دمکراسی‌خواهی ایران و مبارزات ملیت‌های تحت ستم در این کشور قلمداد نمود.

سپس، عبدالله مهدی، دبیرکل حزب کومله کردستان ایران، با تأیید مواضع آقای هجری،

روز شنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۰ هیئتی از کومله‌ی کردستان ایران به سرپرستی عبدالله مهدی، دبیرکل کومله، از مقر حزب دمکرات کردستان ایران دیدار نمود و مورد استقبال هیئتی از اعضای رهبری حزب به سرپرستی مصطفی هجری، دبیرکل حزب قرار گرفت.

در این دیدار، ابتدا آقای مصطفی هجری، به تحلیل و بررسی مسائل اخیر منطقه و تحولاتی که در این مدت در راستای برقراری دمکراسی و سرنگونی رژیم‌های دیکتاتوری به پیش می‌رود، پرداخته و این تحولات را به نفع ایجاد

افزایش ۸,۳ درصدی قتل در تهران

رئیس پلیس آگاهی تهران گفته است: میزان وقوع قتل در سال جاری نسبت به مدت مشابه آن در سال گذشته ۸,۳ درصد افزایش داشته، که ۳۴ درصد از آنها با سلاح سرد و تنها ۵ درصد با سلاح گرم صورت گرفته است.

به گفته‌ی عباسعلی محمدیان، رئیس پلیس آگاهی، ۲۴ درصد از قتل‌های سال جاری در جریان نزاع و ۲۳ درصد به علت اختلافات خانوادگی رخ داده است. وی همچنین اضافه کرده است، بیشترین قتل‌های سال جاری در خرداد ماه و بعد از آن در ماه‌های تیر و شهریور به ثبت رسیده‌اند. این مسئول حکومتی، نزاع، سرقت و اختلاف مالی را بعنوان مهمترین علل بروز قتل در تهران برشمرد.

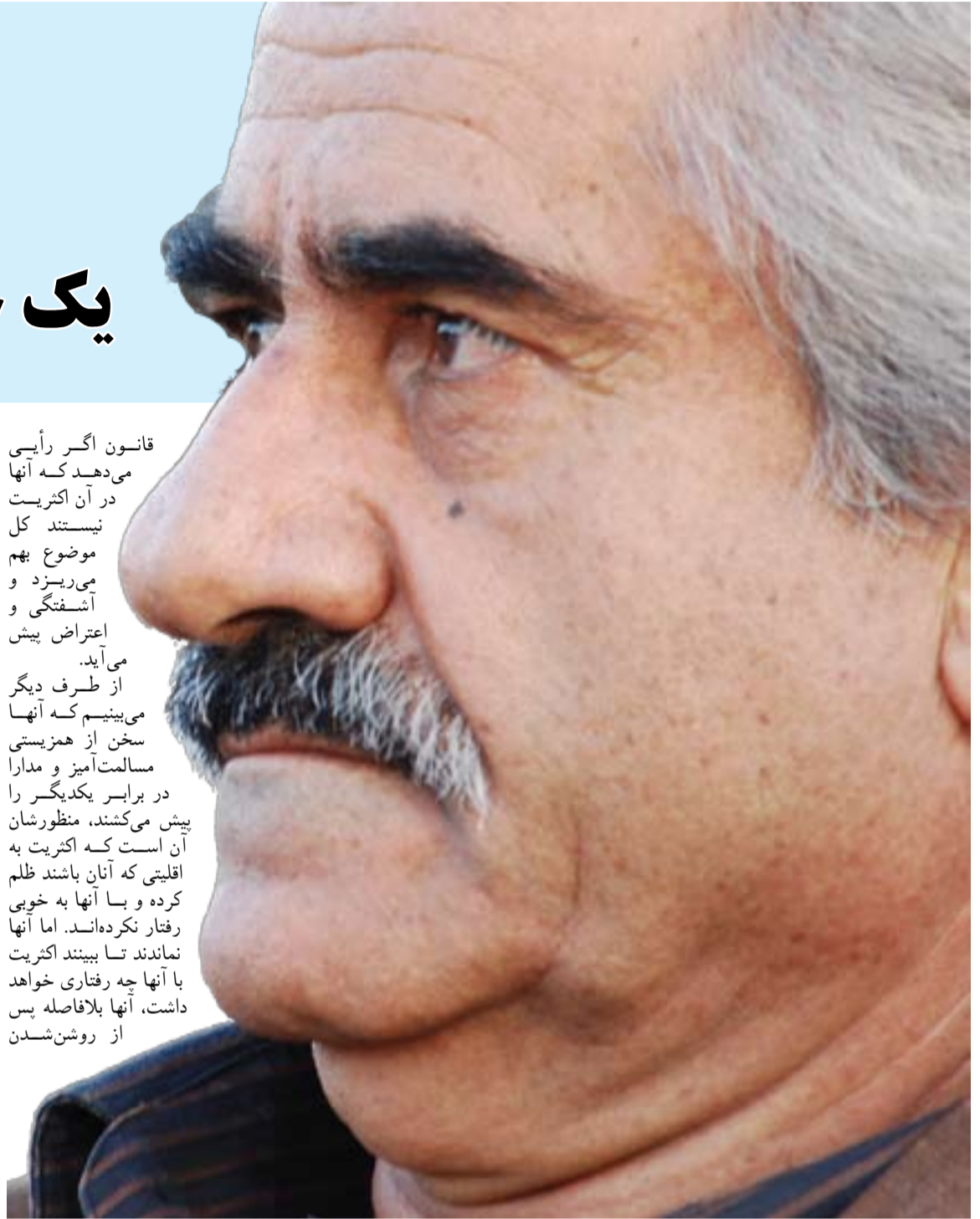
آمار طلاق در کردستان افزایش یافته است

به گفته‌ی یک مقام دولتی، واقعه طلاق در شش ماهه‌ی نخست سال جاری در استان کردستان نسبت به مدت مشابه آن در سال گذشته، افزایش یافته است.

امیر جوان کیا، مدیر کل ثبت اسناد و املاک استان کردستان، اعلام کرده است: در نیمه نخست سال جاری یک هزار و ۴۷۶ مورد طلاق در استان ثبت شده، اما در مدت مشابه آن در سال ۱۳۸۹ تنها هزار و ۴۲۳ مورد طلاق روی داده بود.

در سال‌های اخیر آمار طلاق نسبت به ازدواج همواره افزایش یافته، که علل آن به مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی برمی‌گردد. از حدود ۱۰ هزار ازدواجی که در شش ماهه نخست سال جاری خورشیدی در استان کردستان رخ داده ۱۵۰۰ مورد به طلاق منجر شده است.

مصطفی هجری: نمی‌توان سر نوشت یک حزب را به بازیچه گرفت



قانون اگر رأیی می‌دهد که آنها در آن اکثریت نیستند کل موضوع بهم می‌ریزد و آشفتگی و اعتراض پیش می‌آید. از طرف دیگر می‌بینیم که آنها سخن از همزیستی مسالمت‌آمیز و مدارا در برابر یکدیگر را پیش می‌کشند، منظورشان آن است که اکثریت به اقلیتی که آنان باشند ظلم کرده و با آنها به خوبی رفتار نکرده‌اند. اما آنها نماندند تا ببینند اکثریت با آنها چه رفتاری خواهد داشت، آنها بلافاصله پس از روشن شدن

می‌گویند علت جدا شدن آن بوده که با هم احساس راحتی نمی‌کردیم و مکانیزم همزیستی از بین رفته بود. این حرف‌ها هم در واقع توجیهی است برای جدا شدنشان. تبلیغاتی هم که در حال حاضر در پیش گرفته و خود را پرچمدار صلح‌جویی و اتحاد معرفی می‌کنند، به نظر من بیشتر به آن دلیل است که می‌خواهند با این کار؟ خود را از دید مردم پنهان کنند.

گروهی که تنها به دلیل منافع گروهی خود نتیجه‌ی کنگره‌ی دموکراتیک را که زیر نظر اکثریت خود آنها تشکیل شده بود، نپذیرفتند و جدا شدند و حزب دیگری تشکیل دادند.

آقای خالد عزیزی هم در گفتگویی که اخیراً منتشر شده، گفته است که ما در کنگره‌ی ۱۳ همه‌ی کارها را به خوبی پیش بردیم، گزارش کنگره تسلیم و تصویب شد. موضوعات سیاسی مورد بحث قرار گرفت و همه هم عقیده و هم‌نظر بودند، مشکل زمانی به وجود آمد که انتخابات انجام شد.

در اینجا این سؤال برای مردم پیش می‌آید که اگر برنامه سیاسی و مواضع سیاسی همه تصویب شده‌اند چرا انتخابات مشکل‌ساز می‌شود؟ مگر قرار نیست کسانی که در کنگره حضور دارند رأی بدهند و همه ما به رأی آنها پایبند باشیم؟! مانند همه‌ی کنگره‌هایی که پیش‌تر برگزار شده و رأی‌گیری در آنها انجام شده بود. از کنگره‌ی ۱۰ تا کنگره‌ی ۱۳ آن دوستان در اکثریت بودند و کارها و تصمیم‌ها تحت هژمونی و تسلط اکثریتی آنها انجام می‌شد. اقلیت در آن زمان به عنوان اقلیتی منضبط و دلسوز حزب با آنها همکاری کرد در عین حال انتقادات خود را هم مطرح کرده اما همواره در جهت یکپارچگی حزب عمل کرده است.

چگونه است که همان کنگره با همان

انشعاب هم رخ نمی‌داد. س: آقای هجری! خالد عزیزی در بخشی از استدلال‌های خود می‌گوید هیچ جناحی از جناح دیگر جدا نشده و هیچ طرفی دیگری را ترسک نکرده و حتی می‌گوید محل کار هر دو طرف یکی است و در کمپ هم با هم زندگی می‌کنند، نظر شما در این باره چیست؟

ج: با همه‌ی احترامی که برای این دوستان قائلم اما این استدلال غیرسیاسی و ناشیانه است. اینکه دو خانه در کنار یکدیگر باشند و یا دو مقر در نزدیک یکدیگر، این دلیل جدا نشدن آنها نیست، آنها علناً حزب خود را جدا کرده‌اند.

اگر هم اکنون منزل آنها نزدیک خانه ماست یا در شهری دیگر است، این باعث تغییر در اصل مسئله نمی‌گردد. نزدیکی منازل بدین معنی نیست که انشعابی صورت نگرفته است. به عنوان مثال، در یک شهر

که مردم با هم زندگی می‌کنند، بسیاری از خانه‌ها به هم جسیبده‌اند، ولی این دال بر آن نیست که اختلاف‌نظر ندارند و یا با هم در تضاد نیستند و این به معنای با هم بودن و یکی بودن نیست. یعنی این دلیل نمی‌شود که زندگی کردن ما در کنار همدیگر تقویت‌کننده‌ی این تفکر باشد که

در واقع از همدیگر جدا نشده‌ایم، یا از این موضوع بحث می‌کند که مسئله‌ی تغییر "نام" به عنوان شرطی از سوی ما طی این سال‌ها باعث شده است که ما نتوانیم با یکدیگر رابطه برقرار کنیم. تعیین این نام از سوی آنها تبدیل به مانع و سدی بر سر راه عادی‌سازی و روابط و حتی همکاری ما با یکدیگر شده است. جالب این است که آن را علتی برای نزدیکی می‌داند، سؤال اینجاست که این مسئله چگونه باعث نزدیکی می‌شود؟ اگر این باعث نزدیکی می‌شود چرا تا بحال ما نتوانسته‌ایم این کار را انجام دهیم؟ بالعکس تعیین این نام از روز نخست مانعی بر سر راه نزدیکی و ایجاد رابطه و همکاری بین ما شده است.

منطق آن بود که از همان روز نخست از این موضوع سخن می‌گفتند که تغییری در نام‌شان ایجاد کنند که با نام ما تفاوتی داشته باشد تا زمینه را برای برقراری رابطه فراهم کند.

س: در جای دیگری کاک خالد می‌گوید که منافع ملت کرد، انگیزه‌ی اساسی ما برای ادغام است و می‌بینیم که ایشان مدام بر ادغام شدن یا حتی عادی‌سازی روابط تأکید می‌کند. ولی سؤال اینجاست که آیا ۵ سال قبل منافع ملت کرد ایجاب نمی‌کرد که آنها در حزب دموکرات کردستان ایران باقی بمانند؟ یا مسئله کرد در آن زمان حساسیت امروز را نداشت؟

ج: بیشتر این استدلال‌هایی که می‌شود سیاسی نیستند و برای منحرف نمودن اذهان و ایجاد اختلال در ذهن مردم انجام می‌گیرد. کسی که دغدغه اتحاد ملت کرد را داشته باشد، شخص یا گروهی که برای اتحاد و یکپارچگی احزاب کردی تلاش می‌کند، چگونه است که خود حاضر نیست طبق قواعد و اصول و پرنسپ‌های حزبی که در آن است، رفتار کند، تنها به این علت که منافع گروهی‌اش به خطر افتاده است. یعنی در اینجا آن گروه منافع گروهی خود را بر منافع ملی و بر منافع حزبی و اتحاد و یکی شدن ترجیح داده‌اند. چنین گروهی به نظر من اگر پیش‌تر از این هم شعار اتحاد

و منافع مردم را سر دهند و فریاد بزنند، کسی به آن گوش فرا نمی‌دهد. زیرا آنچه که امروزه مردم مدنظر قرار می‌دهند مسئله‌ی رفتار و عمل است، مردم امروز آگاه هستند، می‌فهمند، مردم سیاسی‌اند و اطلاعات روز به روز در میان آنان تبادل می‌شود. من قصد مقایسه ندارم اما این استدلال را همانند استدلال‌های رژیم جمهوری اسلامی می‌بینم که از سویی به عنوان تروریست بین‌المللی شناخته شده و سیاست کلی‌اش تروریسم است، اما می‌گوید "ما ترور نمی‌کنیم، حتی یکبار هم این کار را نکرده‌ایم که این بار دوم ما باشد". به همین علت به نظر من این سخنان نزد مردم خریداری ندارد، من از این سخن نمی‌گویم که مردم کرد به صورت کلی خواهان اتحاد سازمان‌های سیاسی و همصدایی مردم کرد نیستند، بلکه این نوع استدلال هیچ بستری را برای این مسائل فراهم نمی‌کند.

س: یعنی این‌ها تنها در چارچوب شعار بوده و هیچ اقدامی از سوی آنها در جهت منافع ملی به صورت عملی انجام نگرفته است؟

ج: بله تنها در حد شعار بوده است، می‌گویند که هر کسی منکر نام حزب دموکرات برای آنها شده است، در واقع نمی‌خواهد که به هم نزدیک شویم.

مسئله‌ی دیگری که به بحث ادغام و اتحاد و از این قبیل موضوعات می‌پردازد، اینها مسائلی است که همه آنها جای بحث دارد، ولی نمی‌توان تا زمانی که مشکلات پیش‌روی را از طریق مذاکره و دیالوگ حل و فصل نمود، سخن از اتحاد و ادغام راند. اگر چه من در این مورد نیز نظر دیگری دارم، ما درباره مسئله بازگشت آنها به صفوف حزب دموکرات کردستان ایران، یا مسئله‌ی اتحاد و یا هر اسمی که آنها بر آن می‌گذارند، هیچ قید و شرطی نداریم. بدون قید و شرط آغوشمان باز است تا برگردند. ما در سال آینده کنگره را پیش رو داریم و سال برگزاری کنگره است. در آن کنگره نیز همانند کنگره‌های دیگر فعالیت می‌کنیم، یکی از فعالیت‌های کنگره انتخابات است، کنگره هر تصمیمی بگیرد همه ما تابع آن هستیم. امیدوارم که اکثریت اعضای رهبری حزب از میان آنها انتخاب شود. ما در این باره هیچ حرفی نداریم. حتی حاضریم برای این مسئله از جریانها و احزاب دوست کسانی را به عنوان ناظر نیز دعوت کنیم تا در کنگره حضور یابند و بر برگزاری انتخابات و اجرای دستورات نظارت کنند. ما در این باره حرفی نداریم. ولی مسئله‌ی دیگری که در اینجا مطرح است و آنها در موردش سخن می‌گویند و ما نیز موافق آن هستیم، مسئله‌ی گفتگو و نزدیک شدن است، ولی مذاکره و گفتگو میان دو حزب دموکرات نه، بلکه میان حزب دموکرات کردستان ایران و گروهی که جدا شده‌اند، ما در این رابطه نیز خود را بیش از آنها مسئول می‌دانیم، بیش از آنها معتقدیم که این امر ضرورت دارد. زیرا ما از همان روز نخست گفته‌ایم که اگر آنها نخواهند در حزب دموکرات و با ما که رفقای آنها بودیم و هم‌رزم آنها بودیم و سالیان زیادی با همدیگر مبارزه و فعالیت نموده‌ایم، کار کنند،

اما ما می‌توانیم به عنوان دو جریان با هم کار کنیم، به عنوان دو حزب سیاسی ولی نه به عنوان



روزنامه

ایران و سعودی بر اساس پیشگویی‌های عهد عتیق رفتار می‌کنند!

ترجمه: کریم پرویزی

گیل روین در سایت خبر اسرائیل رویدادهای اخیر دنیای امروز را با توجه به پیشگویی‌های قدیمی یهودیان بررسی می‌کند.

یهودیان با پیشگویی‌های کهن عهد عتیق که یالکوت شمعون تفسیر کرده است آشنا کنید، بر اساس این پیشگویی‌ها، اختلافات میان ایران و اعراب در راستای پیشگویی‌هایی است که ظهور مسیح(پادشاهی که اسرائیل و تمامی جهان را آزاد خواهد کرد) را در سال جاری حتمی می‌دانند.

به عبارت دیگر، تلاش ایران برای ترور سفیر عربستان در آمریکا و گزارش‌هایی که حکایت از درخواست کشورهای عربی از غرب برای حمله به ایران دارند، همگی با پیشگویی‌های یالکوت شمعون هماهنگی دارند.

در قسمتی از این کتاب که به کتاب عیسی معروف است، آمده است که:

"رابی‌یر چاک می‌گوید:

در سالی که مسیح پادشاه ظهور خواهد کرد، تمام ملت‌ها از یکدیگر خشمگین بوده و در جدالند، پادشاه برشیا به پادشاهی عرب حمله کرده و پادشاه عرب از آرام می‌خواهد که وضعیت را کنترل کند. پادشاه فارس‌ها عقب‌نشینی کرده و همه جهان را نابود می‌کند، تمام ملت‌های دنیا در خشم و نگرانی هستند و همچون زن باردار دچار درد و فریاد و فغان می‌شوند، اسرائیل نیز دچار خشم و ناآرامی می‌شود و فریاد می‌زند که به کجا برویم؟ به کجا برویم؟ مسیح پادشاه به آنها می‌گوید: فرزندانم ترسید، من هرکاری کرده‌ام برای شما بوده، شما چرا وحشت کرده‌اید؟ ترسید زمان رستگاریتان فرا رسیده، رستگاری اول شما با اندوه و خدمتگذاری به دیگر پادشاهان همراه شد اما نجات و رستگاری نهایی‌تان با اندوه و اسارت نخواهد بود."

نویسنده مقاله در ادامه این پیشگویی را با وضعیت امروز مقایسه کرده و می‌گوید: برشیا امروزه به نام ایران شناخته می‌شود و پادشاه عرب با توجه به وضعیت امروز می‌تواند پادشاه عربستان که کشور اصلی عرب‌هاست باشد.

این جمله‌ها هم نسبی بوده و در قرائت مدرن "ادوم" می‌تواند جایگزین آرام شود، ادوم امروز می‌تواند اروپا یا غرب باشد، "آرام" اشاره به بخشی از مزویتامیاست که بیشتر شامل شمال عراق و شرق سوریه است. ناآرامی در این منطقه پس از خروج نیروهای آمریکا از عراق باعث نگرانی عربستان و شادی سوریه‌ی هم‌پیمان ایران است.

نویسنده در پایان می‌گوید زمان دقیق پیشگویی‌های یالکوت شمعون مشخص نیست اما کمی این متن از ۷۰۰ سال پیش یعنی از سال ۱۳۱۰ میلادی وجود دارد و در دسترس است.

منبع:

Israel national news.com

دو قطب مخالف قرار می‌گیرند. س: به عنوان آخرین سؤال، کاک خالد در بخش دیگری از سخنانش توصیه می‌کند که آن عده از اعضای حزب که صلح طلب هستند شهادت داشته و این را اعلام کنند. آیا در حزب دمکرات کردستان ایران افراد آزادیخواه و صلح طلب به قول ایشان شهادت اعلام نظر ندارند؟

ج: در اینجا باید درباره‌ی معنای شهادت حرف بزنیم، در حزب دمکرات آزادی هست، اعضای حزب از رهبری تا پیشمرگ نظر خود را در جلسات حزبی بیان می‌کنند، به ارگان بالاتر نامه می‌نویسند و یا به رهبری و حتی به کنگره، در اساسنامه‌ی حزب این به وضوح آمده و همه این شهادت را دارند و چنین می‌کنند، اما چرا می‌گویم باید معنای شهادت را معلوم کنیم؟ چون آن شهادتی را که دوستان در نظر دارند ما نداریم، ما شهادت آن را نداریم که به خاطر مصالح گروهی خود صفوف ملت کرد را از هم جدا کنیم، همچنان که در کنگره‌ی گذشته، پیش از کنگره‌ی ۱۳ ما در اقلیت قرار گرفتیم و آن کار را نکردیم، اگر کاک خالد این را شهادت می‌داند، درست است ما چنین شهادتی نداریم. ما شهادت منحرف کردن ذهن مردم را نداریم چرا که بر اینیم که باید با مردم خود روراست باشیم. ما مسئولیم که واقعیتها را به مردم بگوییم. ما شهادت آن را نداریم که در محضر مردم و به وضوح رفتار و گفتار متناقض در پیش بگیریم. چون می‌دانیم که مردم آگاهند و می‌دانند، ما نباید مردم را نادان و ناآگاه تصور کنیم و گمان کنیم هر چه ما می‌گویم مردم نیز همان‌گونه فکر می‌کنند. به همین دلیل است که من فکر می‌کنم در مورد معنای واژه‌ی شهادت میان ما و آنها تفاوتی هست و گرنه در حزب دمکرات ابراز نظر و عقیده آزاد است و به صورت سیستماتیک انجام می‌شود.

آنها در مورد مسئله‌ی اتحاد و یکی شدن سخن می‌گویند، روزانه درباره‌ی منافع و دستاوردهای یکی شدن موعظه می‌کنند. سفارش می‌کنند. منافع و دستاوردهای یکی شدن را تحلیل می‌کنند، ولی زمانی که کار به مرحله‌ی عمل می‌رسد، برای آن اتحاد و یکی شدن حاضر نیستند که تغییری در نام خود انجام دهند. جالب آن است که کاک خالد در سخنانش می‌گوید که تشکیل یک جبهه و فعالیت مشترک به نزدیکی میان این دو جریان گره خورده است و منافع دیگر را نیز ذکر می‌کند، از سوی دیگر می‌گوید که حزب باید وسیله باشد، حزب مقدس نیست. اگر نزدیک شدن تا این حد سودمند است و مصالح ملت کرد را تأمین می‌کند و آنها دیگر تحت تأثیر مسائل روحی روانی زمان جدا شدنشان نیستند، تأکید و اصرار آنها بر نامی که انتخاب کرده‌اند به خاطر چیست؟ چرا این مسئله را تکرار می‌کنند؟ در اینجا می‌خواهم به مسئله‌ی دیگری در همین رابطه اشاره کنم، سال گذشته در جریان گفتگویی که بر سر موضوع مذاکره میان آنها و کنسول جمهوری اسلامی در اربیل و در مورد ماده‌ی ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی ایران روی داد، خبرنگار از کاک خالد می‌پرسد اگر جمهوری اسلامی از شما بخواهد که نام خود را تغییر دهید و این مسئله را پیش شرط مذاکره عنوان کند نظر شما چه خواهد بود؟ پاسخ کاک خالد این را می‌رساند که اگر کار به آنجا برسد ما مشکلی با تغییر نام نداریم، جالب و عجیب است که حاضرند به خاطر جمهوری اسلامی نامشان را تغییر دهند و می‌گویند حل مشکل میان حزب دمکرات و آنها، بر تشکیل ائتلاف تأثیر می‌گذارد و مصلحت ملت کرد را در آن می‌بیند. اما زمانی که به مرحله‌ی عمل می‌رسد بازهم تأکید دارد که آنها حزب دمکرات کردستان هستند. این حرفها و این رفتارها به نظر من کاملا متناقض بوده و در

این را نیز متذکر شوم که در رابطه با موضوع ادغام شدن که از آن سخن می‌گویند، ما تجربه تلخی داریم. همان گروه یا بخشی از آن گروه که بعد از کنگره ۸ از حزب دمکرات جدا شدند، دلایل و استدلالشان به دلایل و استدلال دوستانی که بعد از کنگره ۱۳ جدا شدند، شبیه بود. آنها بعد از کنگره ۱۰ حزب دمکرات به درون حزب بازگشتند ولی نتیجه آن، جدا شدن دوباره آنها در کنگره ۱۳ بود.

یعنی نمی‌توان سرنوشت یک حزب را به بازیچه گرفت، اگر روزی شخصی یا گروهی افکار و خواسته‌هایش پیش نرفت، منافع شخصی و گروهی‌اش به خطر افتاد، جدا شود و فردا دوباره بازگردد.

به نظر من، مردم نیز چنین چیزی را از ما نخواهند پذیرفت و حزب دمکرات نیز در حقیقت نمی‌تواند به آزمایشگاه چنین سلابی تبدیل شود، به همین خاطر ما در رابطه با مسئله‌ی ادغام و یکی شدن با وجود آنکه آن را رد نمی‌کنیم ولی چنانچه عرض نمودم، حاضریم یکی شویم بدون هیچ پیش شرطی، ولی این نگرانیها نیز وجود دارد. س: کاک خالد در بخش دیگری از سخنانش می‌گویند بایستی فضایی را فراهم کنیم که دیگر تحت تأثیر روانی به گفته‌ی ایشان "دوشقه شدن" نباشیم. شما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران تا چه اندازه تحت تأثیر آن رویداد هستید؟

ج: من به صورت عکس به آن مسئله می‌نگرم به اعتقاد من آنها هستند که هنوز هم تحت تأثیر آن فضایی هستند که در جریان انشعاب به وجود آمد. آن انتقام‌جویی، عصبانیت، انتخاب آن نام که به قضیه‌ی انتقام‌جویی و عصبانیت برمی‌گردد. ما احزاب زیادی را دیده‌ایم که انشعاب کرده‌اند، چه در گذشته و چه هم اکنون، نام خود را تغییر داده و روابط خود را حفظ کرده‌اند.



دو حزب دمکرات. برای این منظور هم نامی برای خودشان انتخاب کنند و ما هیچ شرط دیگری نداریم. حتی آنها سخن از آن گفته‌اند که آنها در حزب دمکرات گذشته‌ای داشته‌اند و فداکاری نموده‌اند و در انتخابات حزب دمکرات سهیم بوده‌اند، اینها همگی حقیقت دارد و صحیح است. ما هم می‌گوییم که نام آنها کلمه دمکرات را داشته باشد ولی با ترکیبی که مردم قادر باشند ما را از هم‌دیگر تشخیص دهند. در حال حاضر این دو نام باعث سردرگمی مردم شده است، به عنوان جدیدترین نمونه، می‌توان در رابطه با بیانیه‌ای که رهبری آنها صادر کرده است در رابطه با آنکه آنها خواستار آنند که نیروهای خارجی در ایران دخالت کنند، تعداد زیادی از احزاب و جریانهای ایرانی با ما تماس گرفته‌اند که این موضع سیاسی حزب دمکرات نبوده و چگونه به یکباره چنین سیاستی را اتخاذ نموده است. بخش زیادی از کار ما و دوستان در اینجا و در خارج از کشور بدین اختصاص یافته است که بگوییم این موضع ما نبوده است. در حال حاضر من به درستی و نادرستی آن موضع نمی‌پردازم، منظوم این است که این دو نام، مردم را سردرگم کرده است و در آینده و در شرایطی که تغییر و تحول رخ دهد می‌تواند مشکلات بیشتری را ایجاد کند، ولی اگر نام خود را تغییر دهند همچون احزاب دیگر که با آنها در رابطه هستیم، حاضریم با آنها که در گذشته هم‌رزم بوده‌ایم، با هم‌دیگر کار کرده‌ایم، در یک سنگر بوده‌ایم، برای یک هدف مبارزه نموده‌ایم، کار کنیم و هم‌اکنون و در این رابطه بسیار مشتاقیم که با برداشتن این مانع بتوانیم بار دیگر روابطمان را عادی نماییم و شاید در روند عادی‌سازی روابط و دیدارها و نشستها، شرایطمان به وضعیتی برسد که سخن از ادغام و اتحاد به میان آید.

زبان مادری، ملیت و نژاد در سرشماری ۱۳۹۰ در ایران



و جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه و مطلع و آگاه کردن افراد جامعه از آنرا تهدیدی علیه منافع و موجودیت خود قلمداد کرده‌اند و هرگز نخواستند سخنی از آن به میان آورند. دوباره در هفتمین دوره

شامل می‌گردد.

از آنجا که سیاستهای دولتی موجب حذف برخی از اطلاعات گردیده سازمان ملل متحد توصیه کرده است که یک سرشماری عمومی باید حداقل موارد زیر را تعیین نماید:

- ۱- جمعیت کل ۲- جنس و وضع زناشویی ۳- محل تولد و

آگری

در عصر حاضر یکی از کارها و وظایف همه حکومتها برای پیشرفت کشور و برنامه‌ریزی، آگاهی از وضعیت جمعیت و شناخت ویژگیهای گوناگون افراد خانوارهای کشور می‌باشد تا امکان تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی کشور فراهم شود. بدین وسیله در فاصله سالهای معین اقدام به سرشماری می‌کنند.

کشور ایران ۵۵ سال پیش یعنی در نوامبر ۱۹۵۶ اقدام به سرشماری کرده و براساس قانون هر ده سال یکبار سرشماری عمومی به عمل آمده است.

اولین سرشماری عمومی در سال ۱۳۳۵ ه.ش و سرشماری بعدی در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ اجرا شده است.

دوره‌ای بودن از خصوصیات مهم سرشماریهاست و از آنجا که سرشماری به هزینه و نیروی انسانی و امکانات زیادی نیاز دارد. بعضی از کشورها هر ۱۰ سال یکبار و بعضی از کشورهای دیگر هر ۵ سال یکبار سرشماری را اجرا می‌کنند. در ایران پس از سرشماری عمومی سال ۱۳۸۵ بر اساس مصوبه هیأت وزیران فاصله‌ی زمانی بین اجرای سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن از ده سال به پنج سال کاهش یافت و بدین ترتیب سرشماری سال ۱۳۹۰ هفتمین دوره سرشماری ایران بود. در سرشماریهای مختلف، تفاوت‌های وسیعی در انواع و کمیت اطلاعات بدست آمده وجود دارد. در برخی کشورها سرشماری جمعیت فقط حاوی ۱۲ نوع آمار جمعیتی است در حالی که در بعضی از کشورهای دیگر بیشتر از ۲۴ مورد را

سرشماری ۱۳۹۰
حداقلهای سازمان ملل متحد را برای اجرای یک سرشماری عمومی زیر یادداشت شده و سخنی از زبان مادی، ملیت و نژاد به میان نیآورده و به جای آنها از واژه تابعیت استفاده کرده است.
در هر جامعه‌ای حکومتها سرشماری را وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود می‌دانند و بر مبنای آن برنامه‌ریزیهای خود را انجام می‌دهند. در ایران نیز در همه دوره‌ها حکومتداران سرشماری را وسیله‌ای برای پیشبرد عمران و آبادی کشور و برطرف کردن فقر و محرومیت کشور می‌دانند و بارها دم از عدالت اجتماعی زده‌اند که می‌خواهند

شهرنشینی

- ۴- ملیت ۵- زبان مادری ۶- تحصیلات ۷- مشخصات اقتصادی ۸- اقامتگاه شهری یا روستایی ۹- خانوار یا ترکیب فامیلی ۱۰- باروری

از آنجا که ایران کشوری کثیرالمله بوده و از ملیتهای مختلفی شکل گرفته است، لزوم مطرح کردن سؤالاتی در مورد ملیت، زبان مادری، نژاد، مهاجرتها در سرشماریها ضروری است.

حکومتداران ایران چه در دوره قبل از انقلاب و چه بعد از آن به دلایل متعددی (سیاسی و امنیتی) از مطرح کردن سؤالاتی در این زمینه در سرشماریها پرهیز کرده‌اند

■ سلام اسماعیل پور

انتشار خبرهای ضد و نقیض در رابطه با چگونگی برخورد با جمهوری اسلامی در روزهای اخیر که با افشاگرهای جدیدی در زمینه ماجراجوییهای اتمی و تروریستی رژیم توأم بود، یکبار دیگر به شکل گیری گمانه‌زنی‌هایی در رابطه با احتمال حمله پیشگیرانه‌ی اسرائیل و متحدان غربی ایالات متحده علیه اهدافی در خاک ایران انجامید. از جمله، روزنامه‌ها آرتس، چاپ اسرائیل در گزارشی نوشت که بنیامین نتانیاها، نخست وزیر و ایهود باراک، وزیر دفاع این کشور توانسته‌اند حمایت بخشی از کابینه اسرائیل از حمله وزیر خارجه را برای حمله به ایران جلب کنند. روزنامه

بریتانیایی گاردین نیز در گزارشی از برنامه‌ریزی بریتانیا برای حمله احتمالی به تأسیسات اتمی ایران خبر داد. گزارش‌ها حاکیست، مقامات در وزارت دفاع بریتانیا بر این باورند که علیرغم احتیاط اوپاما در توسل به گزینه نظامی در شرایط حساس پیش از انتخابات ریاست جمهوری، آمریکا ممکن است ناگزیر به تسریع در طرح‌هایش برای حمله احتمالی به تأسیسات اتمی ایران گردد. زیرا پیشرفت ایران در فاز نظامی برنامه اتمی و انتقال بخشهای حساس آن به تأسیسات زیرزمینی، به طور روزافزونی از کارایی عملیات موشکی و هوایی خواهد کاست و غرب را ناگزیر به پذیرش ایران اتمی و متعاقب آن، خاورمیانه اتمی خواهد نمود. از همین رو، ارتش بریتانیا در حال

بررسی طرح‌های استقرار ناوهای رزمی و زیردریایی‌های مجهز به موشک‌های تاماهاک در منطقه برای حمله به ایران از هوا و دریا در ماه‌های آینده است.

مقام‌های وزارت خارجه و وزارت دفاع بریتانیا بر این باورند که پس از پیروزی انقلاب در لیبی، ایران بار دیگر در کانون توجه آمریکا قرار گرفته و این کشور ممکن است در حال برنامه‌ریزی برای حمله به تأسیسات اتمی آن باشد.

گزینه همچنان روی میز است

ولی در حال حاضر بر گزینه‌ی تحریم علیه این کشور متمرکز است. او یادآور شد که «حمله‌ی نظامی به مراکز اتمی ایران حداکثر می‌تواند برنامه‌ی اتمی این کشور را دو تا سه سال به تاخیر اندازد.»

شبهاتی که در سخنان او و اوپاما با رهبران دولتهای عمده اروپایی وجود دارد، نشان می‌دهد که تفاوت مواضع آنان با اسرائیلی‌ها تنها در یک نکته است و آن اینکه، قبل از

منتفی نیست. آمریکا اگرچه به کشورهایی که ایران را به حمله‌ی نظامی تهدید می‌کنند، هشدار می‌دهد و آن را "آخرین گزینه" می‌خواند، اما همزمان کشورهای همسایه‌ی ایران را با فروش پیشرفته‌ترین تجهیزات جنگی مسلح می‌سازد. بنا به گزارش "وال استریت ژورنال"، آمریکا با فروش بمب‌های ویژه، کشورهای پیرامون خلیج فارس را آماده‌ی مقابله با ایران می‌سازد. امارات متحده‌ی عربی، از جمله‌ی



شیمون پرز رئیس جمهور

میان‌روی اسرائیل نیز گفته است: "حمله نظامی به ایران برای جلوگیری از ساخت بمب اتمی توسط این کشور نزدیک است، سازمانهای اطلاعاتی همه کشورها نگاه‌هایشان به ساعت است و به رهبران هشدار می‌دهند که زمان زیادی نمانده است." پرز همچنین می‌گوید که تمام سازمان‌های اطلاعاتی دنیا اتفاق نظر دارند که زمان در حال از دست رفتن است و در این مورد به رهبران کشورهای خود هشدار داده‌اند.

حتی باراک اوپاما نیز می‌گوید که گزینه‌ی حمله‌ی نظامی به مراکز اتمی ایران به‌طور کلی

هر گونه اقدام نظامی، باید با تحریم‌های فلج‌کننده امکان‌بازسازی قدرت نظامی و هسته‌ای جمهوری اسلامی را پس از حملاتی که به احتمال زیاد کمرشکن و خردکننده خواهد بود (در غیر اینصورت به سود رژیم تمام خواهد شد) از این رژیم سلب نمود. میت رامنی نامزد جمهوری خواه ریاست جمهوری آمریکا نیز که در نظرسنجی‌های سراسری اخیر، ششانه به ششانه باراک اوپاما رئیس جمهوری فعلی آمریکا گام بر می‌دارد، گفته است که "در صورت رسیدن به ریاست

این کشورهاست که قرار است به‌زودی قرارداد خرید ۴۹۰۰ بمب ویژه‌ی ساخت بوئینگ را امضا کند. این بمب‌ها قادرند از هوا بناهای زیرزمینی چون تونل و پناهگاه را هدف قرار دهند. آمریکا پیش از این نیز در سپتامبر سال ۲۰۱۱ با فروش ۵۰۰ موشک زمین به هوای مدل "هل فایر" به اوپوبی موافقت کرده بود. لئون پائنتا، وزیر دفاع آمریکا نیز تأکید می‌کند که آمریکا، گزینه‌ی حمله‌ی نظامی به مراکز اتمی ایران را به‌طور کلی منتفی نمی‌داند،

جمهوری آمریکا، خود را برای جنگ با جمهوری اسلامی ایران آماده خواهد کرد". وی می‌گوید که با همکاری متحدان آمریکا و استفاده از یک گزینه واقعی و معتبر نظامی، یک مجموعه جنگی را به خلیج فارس اعزام خواهد کرد تا در جنگ با ایران به اسرائیل کمک کند.

میت رامنی همچنین می‌گوید این اقدامات پیام محکمی نیز به ایران خواهد فرستاد، پیامی در این مورد که آمریکا هرگز اجازه نخواهد داد ایران دارای بمب اتمی بشود.

سخنان میت رامنی اگرچه بیانگر مواضع رسمی کاخ سفید در حال حاضر نیست، اما از یکسو وی احتمالاً جدی‌ترین رقیب اوپاما در انتخابات پیش روی ریاست جمهوری آمریکا خواهد بود و از سوی دیگر نشان‌دهنده آن است که چنین مواضعی در کنار زمینه‌سازهای صورت گرفته در رسانه‌های گاردین، هاآرتس و ... به نوعی می‌تواند طرفدارانی در کاخ سفید و حلقه‌های پیرامونی هیئت حاکمه کنونی آمریکا نیز داشته باشد. اما در پیش بودن انتخابات در حال حاضر، فضای گزینش استراتژی مناسب را برای اوپاما به شدت محدود نموده و باعث گردیده است که کاخ سفید محتاطانه‌تر از متحدان بین‌المللی خود به اظهار نظر در این زمینه بپردازد. لیکن تکرار مکرر جمله‌ی قدیمی و معروف "گزینه نظامی همچنان روی میز است"، نشان می‌دهد که در صورت تداوم روند متصلب فعلی در روابط ایران و ایالات متحده، چشم‌انداز زمانی پس از انتخابات سال آینده می‌تواند فرصتهای مساعدتری را برای اقدامات نظامی علیه رژیم تهران، پیش روی رئیس‌جمهور بعدی قرار دهد، خواه ساکن بعدی کاخ سفید، اوپاما یا دمکرات باشد یا میت رامنی جمهوریخواه.

■ کیهان یوسفی

بازداشت و شکنجه چند نوجوان سوری در ۱۵ مارس ۲۰۱۱ در شهر درعا، سرآغاز زنجیره اعتراضات مردم این کشور علیه حکومت بشار اسد بود که بعد از گذشت هفت ماه شدت و گستردگی این اعتراضات همچنان در حال افزایش است.

کشته شدن هزاران نفر از تظاهرکنندگان توسط نیروهای امنیتی و ارتشی خلی در اراده مردم به پاخاسته‌ی سوریه وارد نکرده و آنها همچنان بر برکناری بشار اسد و تغییر نظام سیاسی این کشور اصرار می‌ورزند. تغییر بنیادی نظام سیاسی این کشور و پایان بخشی به حاکمیت حزب بعث که از سال ۱۹۶۲ زمام امور این کشور را در دست دارد خواسته اصلی مخالفان و معترضان سوری را تشکیل می‌دهد. بیش از هفت ماه استقامت و ایستادگی آنها باعث شد که نهادها و محافل منطقه‌ای و جهانی به سکوت مرگبار خود در برابر جنایتهای رژیم بشار اسد پایان داده و گام در مسیر اقدامات جدی‌تر بردارند.

از اقدامات اخیر علیه دولت سوریه می‌توان به طرح خروج از بحران اتحادیه عرب در روز یکشنبه، ۶ نوامبر اشاره کرد که در آن از دولت سوریه خواسته شده بود به حضور نظامی خود در تمامی شهرها پایان دهد، زندانیان سیاسی را آزاد کند و به ناظران اتحادیه عرب و خبرنگاران خارجی اجازه ورود به این کشور را بدهد، اما دولت بشار اسد علیرغم اعلام موافقت با مفاد این توافقنامه بر خشونت‌های خود علیه معترضان افزود و طبق آمارها در ۱۲ روز اول ماه نوامبر بیش از ۲۵۰ نفر از شهروندان سوریهای توسط نیروهای امنیتی کشته شدند.

معترضان سوری در اعتراضات بعد از نماز جمعه روز ۱۱ نوامبر خواستار تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب شدند. نشست وزیران اتحادیه عرب در روز شنبه ۱۲ نوامبر عضویت سوریه در این اتحادیه را با اکثریت مطلق آراء به حالت تعلیق درآورد و همچنین وزرای اتحادیه عرب در جلسه روز شنبه تحریم‌های سیاسی و اقتصادی را علیه این کشور وضع کردند. فشارهای بین‌المللی و

کردها در روند حوادث سوریه



اجماع در اعمال فشارهای بیشتر علیه سوریه نیز در حال افزایش است. جفری فلتنم دستیار وزیر خارجه آمریکا روز چهارشنبه، ۹ نوامبر از بشار اسد خواست که کرسی قدرت را ترک کند. ناوی پیلای کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در جلسه‌ی شورای امنیت گفته بود که سرکوب حقوق بشر توسط حکومت سوریه این کشور را با خطر جنگ داخلی مواجه خواهد ساخت. همچنین سازمان دیده‌بان حقوق بشر دولت سوریه را به جنایت علیه بشریت محکوم کرده است.

کردهای سوریه بزرگترین اقلیت این کشور را تشکیل می‌دهند که شمار آنها حدود ۱۸ تا ۲۲ درصد جمعیت این کشور است. کردهایی که فاقد شناسنامه بوده، فرهنگ و زبان آنها ممنوع شده و زمینهای زراعی آنها نیز تصرف شده و حق شهروندی و تابعیت

سوریه نیز از آنها منع شده است. قابل ذکر است که تا قبل از روی کار آمدن حزب بعث در سوریه کردهای این کشور وضعیت به مراتب بهتری داشتند. کردهای این کشور که از حداقل حقوق سیاسی و مدنی نیز بی‌بهره بوده‌اند هرگونه تغییر و تحولی می‌تواند منجر به بهتر شدن وضعیت آنها شود.

کردهای سوریه در اوایل اعتراضات مردم سوریه سکوت اختیار کرده و با تردید به این تغییر و تحولات می‌نگریستند، دولت بشار اسد در یک اقدام نادر و برای مسکوت نگه‌داشتن کردها برای ۳۰۰ هزار از کردهای فاقد شناسنامه این کشور شناسنامه صادر نموده و ۵۰۰ نفر از فعالان سیاسی را نیز از زندان آزاد کرد. اما کردها با گسترش و تداوم اعتراضات به صفوف معترضان سوری پیوستند و علیه دولت بشار اسد به خیابانها آمدند. کشته شدن "مشعل تمو" از رهبران کردهای سوریه در

هفتم اکتبر در شهر قامیشلی ده‌ها هزار کرد را به خیابانها کشاند و رؤیای بشار اسد را نقش بر آب کرد. نگرانی کردها و اکراه آنها از پیوستن به اعتراضات مردمی در سوریه به علت نگاه تبعیض‌آمیز اپوزیسیون این کشور نسبت به آنها بود، زیرا اپوزیسیون نیز به سان دولت حاکم حاضر به اعتراف به حقوق کردها به عنوان یک اقلیت ملی در این کشور نبود. ۱۲ حزب اپوزیسیون کردی هرگونه ادعا و یا خواسته‌ای دال بر جدایی طلبی کردهای این کشور را رد کرده‌اند. در یک اقدام غیرمنتظره و بنا به گزارش روزنامه لوفیکارو، دولت سوریه از محمد صالح مسلم رئیس حزب اتحاد دمکراتیک سوریه، که حزبی نزدیک به پ ک ک است، خواسته است به سوریه بازگردد. همچنین این روزنامه از اعطای اتونومی به کردهای این کشور توسط بشار اسد خبر می‌دهد. کردهایی که تا چند ماه قبل

از حق شهروندی در این کشور نیز بی‌بهره بوده‌اند. از دیگر سو، اپوزیسیون سوری که برهان غلیسون آن را رهبری می‌کند، کردها را اقلیت بزرگ این کشور خطاب نموده که بایستی حقوق آنها تأمین شود. این اعترافات ضمنی در مورد حقوق کردها خود نقطه‌ی عطفی در گذار کردهای این کشور به آینده‌ای بهتر و روشن‌تر است که منجر به تأمین حقوق آنها می‌شود. اگرچه اظهارات بشار اسد و دولت متبوعش در چنین شرایطی به عنوان ابزار و حرب‌های سیاسی به شمار می‌آید ولی این اظهارات و سخنان برهان غلیسون کردها را به عنوان یک وزنه سیاسی تأثیرگذار در معادلات سیاسی این کشور مطرح می‌سازد و این فرصتی تاریخی برای کردهای این کشور در رسیدن به خواسته‌هایشان است. همصدایی و اقدامات سنجیده کردهای سوریه می‌تواند آینده‌ی روشنی را برای آنها رقم بزند.

گلاره کمانگر

آیین یارسان از جمله آیین‌هایی است که اگرچه بنیانگذاران آن پس از اسلام زیسته و در مجموع آیینی متأخر به شمار می‌رود، اما آداب و رسومی که در این آیین وجود دارد و بسیاری از نماد پردازیهایی آن به دورانی کهن بازمی‌گردد و گمان آن را که این آیین بازخوانی آیین‌های کهن منطقه‌ی زاگرس است را تقویت می‌کند.

ساکتین کوهستانهای زاگرس امروزه همچون دیگر مردم ایران اکثراً معتقد به دیانت اسلامند اما به دلیل بافت کوهستانی منطقه تا قرون چهارم و پنجم پس از اسلام همچنان در بسیاری مناطق بر دین و آیین پیشینیان خود بوده و تا حدود زیادی از تهاجم اعراب در قرون اولیه در امان بودند، به همین دلیل بعدها نیز تمایل بازگشت به آیین پیشین و احیای دین اجدادی به صورتهای مختلف در میان این مردمان دیده شده است. چنین تمایلی حتی در حوزه‌ی فلسفه نیز مشهود است، در میان فلاسفه‌ی اسلامی تنها فیلسوفی که توجه ویژه نسبت به فرهنگ و دیانت ایران پیش از اسلام از خود نشان داده شهاب الدین سهروردی است که خاستگاه او نیز همچون سلطان سهاک (بنیان گذار آیین یارسان) کوهستانهای زاگرس است. همانطور که سهروردی در فلسفه‌ی اشراق به مفاهیم آیین زرتشت و میترائیسم (همچون توجه خاص به نور به عنوان جلوه‌ی خورشید و نیز توضیح مراتب وجود با تکیه به مراتب ایزدان و امشاسپندان) پرداخته است سلطان سهاک نیز در حوزه‌ی عمومی‌تر و مردمی‌تر به بازخوانی آیین‌های پیشین اجدادش پرداخته است. بسیاری از شخصیت‌های مقدس این آیین با شخصیتها و ایزدان متون مقدس زرتشتی و نیز مراتب سلوک و تشریف در آیین مهری برابری و همسنگی می‌کند. به عنوان مثال بنیامین معادل مهر است، او پاسدار آتش و ذاتش از آتش به وجود آمده است. رمزبار درباریه بنیامین می‌گوید:

دامشا خوربا دامیار بنیامین دامشا خوربا

ترجمه از انگلیسی: ریبوار فانی

پرسی که در رابطه با هسته‌ای شدن ایران مطرح می‌شود، این است که چگونه می‌توان از این تفکر که ایران مجهز به سلاح هسته‌ای خطر آفرین خواهد بود چشم‌پوشی کرد؟

تمایل مقامات جمهوری اسلامی به ترور سفیر عربستان سعودی (با همکاری تبه‌کارانی از مکزیک) در خاک آمریکا چه پیام و مفهومی را در رابطه با ذات و بنیاد چنین رژیمی می‌تواند دربر داشته باشد؟ نتیجه‌گیری از چنین طرحی در ارتباط با توانایی جمهوری اسلامی در تهاجم و خطر آفرینی چه خواهد بود؟ آیا سازماندهی چنین توطئه‌ای از سوی ایران نمی‌تواند به معنی زیر پا گذاشتن بنیادی‌ترین معیارهای بین‌المللی باشد؟ حتی با در نظر نگرفتن این طرح توطئه، این نخستین بار نیست که حکومت ایران اقدام به کشتن فردی در خارج از مرزهای خود می‌کند. ۳۱ سال پیش، در جولای ۱۹۸۰، جمهوری اسلامی در ترور یک ایرانی تبعیدی بنام علی‌اکبر طباطبایی که در آن زمان در ایالت مری‌لند آمریکا می‌زیست، دست داشت. مرد مسلحی که وی را به قتل رساند، یک آمریکایی به نام داوود صلاح‌الدین بود که به دین اسلام گرویده بود. وی سپس به ایران گریخت، جایی که هم‌اکنون به مدت ۳ دهه است به عنوان پناهنده در آنجا به سر می‌برد. طباطبایی در زمان حکومت شاه در سفارتخانه ایران در آمریکا مشغول به فعالیت بود. بر اساس آمار مرکز اسناد حقوق بشر ایران، از زمان به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در ۱۹۷۹ در ایران، مقامات جمهوری اسلامی حداقل در ۱۶۲ مورد ترور مخالفان سیاسی خود در نقاط مختلف جهان دست داشته‌اند.

REAL CLEAR WORLD

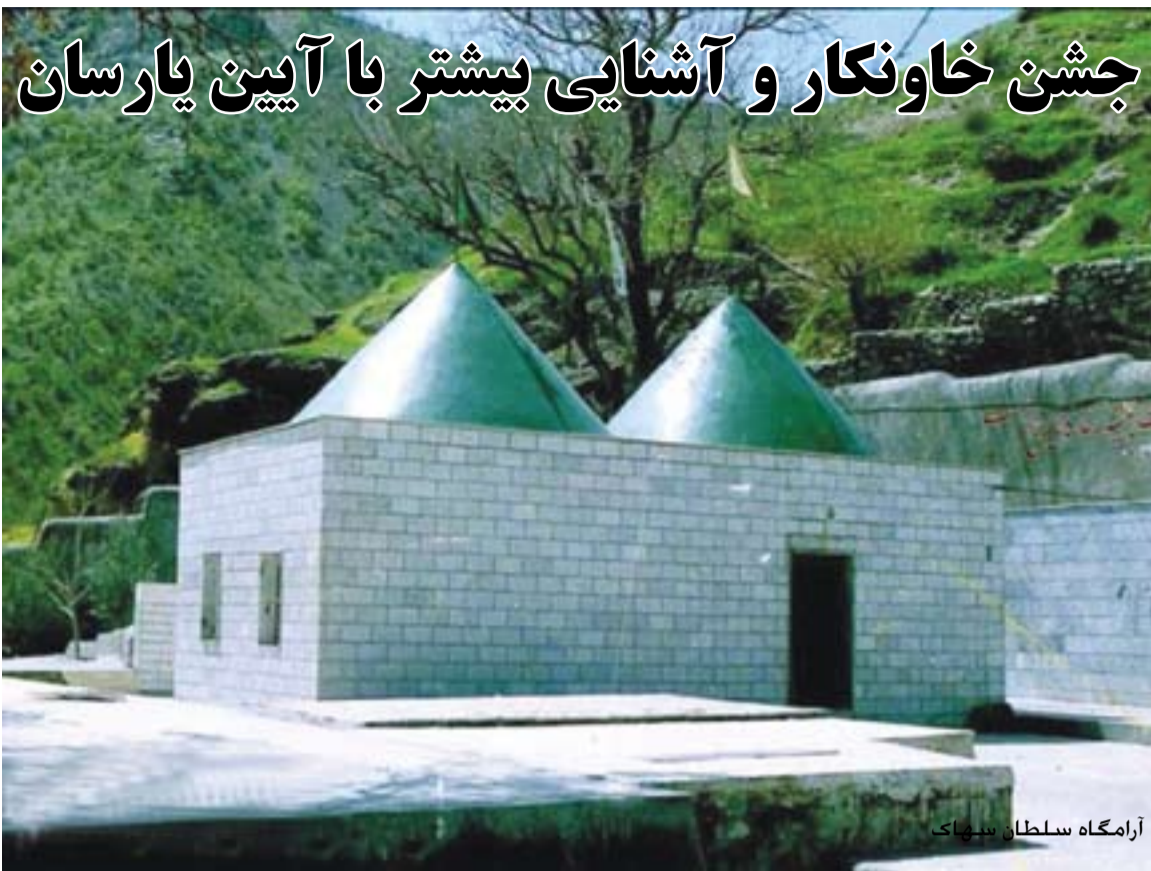
نینه‌ته‌نش وه رووی هوروا. شابازش گردن خاجه‌ی کول‌گرا

دامش خورشید است، دامیار (دام گستر) بنیامین دامش خورشید است
دامش را بر ابرها گسترانیده، شاهباز به دام افکنده او که خواجه‌ی تمامی شعله‌هاست
ارتباط با خورشید از ویژگیهای بارز ایزد مهر در اوستا است. در اوستا درباره مهر می‌خوانیم:

نخستین ایزد مینوی که پیش از دمیدن خورشید جاودانه‌ی تیز اسب، برفراز کوه البرز برآید... (مهریشت - کرده‌ی چهارم - بند ۱۳)

در واقع آیین‌هایی همچون ایزدی و یارسان و فرقه‌هایی همچون بکتاشیه (علویان ترکیه) که در چهار بخش کردستان رشد کرده‌اند، همگی به نوعی ریشه در باورهای کهن ایرانیان دارند. منبع دیگر در این آیین‌ها علاوه بر ایدان کهن منطقه، باورهای افراطی غلات (غلوکنندگان دربارهای علی بن ابیطالب) است که برخی از آنان از جمله غلات نصیری در شاره زور و نیز در کردستان ترکیه نفوذ داشته‌اند. توجه خاص به علی بی ابیطالب در این آیین‌ها (که آیین یارسان نیز از آن جمله است) از اینجا ناشی شده. اما بخش عمده‌ی مناسک و باورها وابسته به اندیشه‌های پیش از اسلام است.

از جمله مراسم و مناسکی که در آیین یارسان برگزار شده و از اهمیت بسیار برخوردار است جشن خاوندکار است. جشن خاوندکار جشنی است که در آبان ماه برگزار شده و ماجرایش از این قرار است که سلطان سهاک که از دست برادران و خانواده خود گریخته به غاری به نام «نو» پناه می‌برد غار را در کردی گورانی «مر» می‌گویند. این جشن را به نام این غار عید مرنو نیز می‌نامند. سلطان سهاک و یارانش پس از سه روز تحمل گرسنگی از غار خارج شده و توسط پیرزنی یا گوشت خروس و برنج پذیرایی می‌شوند. از آن پس سه روز روزه و جشنی با افطار گوشت خروس و برنج به یکی از اعیاد یارسان تبدیل می‌شود. اما گذشته از این شبه تاریخی که برای منشاء این جشن عنوان می‌شود



آرامگاه سلطان سهاک

تمام آیین‌های قربانی‌گزار به میترائیسم و کشتن گاو تر به دست میترا بازمی‌گردد، در ادیان و آیین‌های دیگر، نوع جانور قربانی ممکن است تغییر کرده باشد اما در نر بودن آن همگی متفق هستند. در جشن خاوندکار نیز جانور قربانی خروس است.

در جشن خاوندکار یا نذر داوود، مراسم قربانی حتی الامکان در مکانی سربسته و ترجیحاً زیر زمین انجام می‌شود و این خود یاد آور اهمیت غار در آیین مهری است. در آیین مهری تمامی مناسک دینی و از جمله قربانی در غار برگزار می‌شده است و مهر خود از غاری برآمده است و این با مرنو نیز می‌تواند در ارتباط باشد.

در جشن خاوندکار یا نذر داوود، مراسم قربانی حتی الامکان در مکانی سربسته و ترجیحاً زیر زمین انجام می‌شود و این خود یاد آور اهمیت غار در آیین مهری است. در آیین مهری تمامی مناسک دینی و از جمله قربانی در غار برگزار می‌شده است و مهر خود از غاری برآمده است و این با مرنو نیز می‌تواند در ارتباط باشد.

تمام آیین‌های قربانی‌گزار به میترائیسم و کشتن گاو تر به دست میترا بازمی‌گردد، در ادیان و آیین‌های دیگر، نوع جانور قربانی ممکن است تغییر کرده باشد اما در نر بودن آن همگی متفق هستند. در جشن خاوندکار نیز جانور قربانی خروس است.

در جشن خاوندکار یا نذر داوود، مراسم قربانی حتی الامکان در مکانی سربسته و ترجیحاً زیر زمین انجام می‌شود و این خود یاد آور اهمیت غار در آیین مهری است. در آیین مهری تمامی مناسک دینی و از جمله قربانی در غار برگزار می‌شده است و مهر خود از غاری برآمده است و این با مرنو نیز می‌تواند در ارتباط باشد.

در جشن خاوندکار یا نذر داوود، مراسم قربانی حتی الامکان در مکانی سربسته و ترجیحاً زیر زمین انجام می‌شود و این خود یاد آور اهمیت غار در آیین مهری است. در آیین مهری تمامی مناسک دینی و از جمله قربانی در غار برگزار می‌شده است و مهر خود از غاری برآمده است و این با مرنو نیز می‌تواند در ارتباط باشد.

در جزئیات این جشن نشانه‌هایی از کهن بودن آن به چشم می‌خورد. که این اجازه را می‌دهد تا جشن خاوندکار را بازمانده‌ی جشنی مهری به شمار آوریم.

نخست آنکه این جشن در میانه پاییز انجام می‌شود با فاصله‌ی تقریباً یک ماهه از مهرگان. جشنهای پاییزه و زمستانه (مهرگان، سده، جشن زایش مهر و...) همگی با ایزد مهر (که ایزد نگهبان آتش است) ارتباط دارند. همانگونه که جشنهای بهار و تابستانه با ایزد آب و ایزدان گیاهی در پیوند هستند.

در این جشن نیز همچون بسیاری از آیین‌ها مراسم قربانی وجود دارد، سر منشاء

تهدیدات ایران در پشت سپر هسته‌ای

را آغاز کرده است.

Reuel Marc Gerecht (کارشناس مسائل ایران) می‌نویسد: "در صورت صحت اطلاعات وزارت دادگستری آمریکا، چنین طرح توطئه‌ای می‌تواند این حقیقت را ثابت کند که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در گذر زمان کم‌خطر نشده، بلکه به آن افزوده است".

اما سؤال این است که در چنین شرایطی اگر رژیم جمهوری اسلامی به انرژی هسته‌ای دست پیدا کند چه عواقب و نتایجی خواهد داشت؟ چنین تصور کنیم که ایران مجهز به سلاح هسته‌ای هیچ‌گاه آن را بکار نگیرد یا آن را در دسترس تروریست‌ها قرار ندهد!

حتی با چنین دید خوشبینانه‌ای، دستیابی جمهوری اسلامی به انرژی هسته‌ای می‌تواند جهان را به مکان بسیار ناامن‌تری تبدیل کند. هسته‌ای شدن ایران به طور قطع می‌تواند موجی از تمایل به دستیابی به منابع هسته‌ای را در کشورهای همچون ترکیه، مصر و عربستان با جمعیتی اکثر سنی موجب شود. چنین انگیزه‌ای به منظور مقابله با خطر و تهدیدی می‌باشد که مسبب آن ایران با جمعیتی اکثر فارس و شیعه خواهد بود.

از سوی دیگر واشنگتن بارها تکرار کرده است که جمهوری اسلامی نباید اجازه دستیابی به توان هسته‌ای را پیدا کند. اگر جمهوری اسلامی ثابت کند که چنین هشدارهایی بی‌اثر و توخالی است. آنگاه تصویری که رقبای آمریکا و حکومت‌های دیکتاتور از آمریکا خواهند داشت این است که آمریکا چیزی جز ادعا نیست.

در صورتی که جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای دست یابد، برگ برنده نهایی و آخرین

ترور بین‌المللی خود را استوارتر توسعه خواهد بخشید. در چنین شرایطی کشورهای غربی احتمالاً شاهد یک مجموعه فعالیت تروریستی پرهزینه خواهند بود. جمهوری اسلامی پیمانی استراتژیک با هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا برقرار و همچنین روابط نزدیکی با دوستان چاوز در بولیوی، اکوادور و نیکاراگوئه دارد. ایران به دنبال تهدیدات تازه‌ای در توسعه روابط با آرژانتین به منظور ایجاد پایگاهی در آمریکای لاتین می‌باشد.

۳ سال پیش وزارت خزانه‌داری آمریکا دولت ونزوئلا را متهم به بکارگیری و فراهم کردن پناهگاه امنی برای حامیان و یاری دهندگان حزب‌الله کرد.

Francisco contersa، رئیس سابق ستاد ارتش پرو در ژوئن ۲۰۱۱ به روزنامه The Jerusalem post گفته بود که دستگاه‌های جمهوری اسلامی با دیگر گروه‌های تروریستی در آمریکای جنوبی همکاری و ارتباط دارند. بر اساس اظهارات سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل، جمهوری اسلامی از کشورهایی همچون ونزوئلا و بولیوی اورانیوم دریافت کرده است. به خاطر داشته باشیم که جمهوری اسلامی در شرایطی دست به چنین اقدامات تحریک‌آمیزی زده که هنوز به چنین سلاح اتمی دست نیافته است. اما روزی را تصور کنید که دیکتاتوری جمهوری اسلامی در صورت دستیابی و بکارگیری نیروی هسته‌ای تا چه اندازه می‌تواند تهاجمی و گستاخ عمل کند. جمهوری اسلامی یک سیستم ایدئولوژیک مبتنی بر مذهب می‌باشد که جهانی شدن انقلاب رادیکال (تندرو) اسلامی را در سر می‌پروراند.

طرح ترور سفیر عربستان این واقعیت را ثابت کرد که رفتار مسالمت‌آمیز و دوستانه از سوی دیپلماسی غرب قادر نخواهد بود که افکار و اصول بنیادین رژیم را که آمیخته با دشمنی غرب و تعصب مذهبی است، تغییر دهد.

در راه همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

این مشروعیت یا آن مشروعیت؟

باران

"عدم مشروعیت" مفهومی است که غالباً در مورد انتخابات صوری جمهوری اسلامی به کار گرفته شده و برای ابوزیسیون واقعی این رژیم شناخته شده است. اما آنچه در مورد بکارگیری این مفهوم برای تعریف بازیهای سیاسی داخل ایران قابل توجه است، بکارگیری آن توسط اصلاح طلبان حکومتی می باشد که امروزه به عنوان سبزه های حکومتی نیز از آنها نام برده می شود. طی مدت اخیر، تعدادی از فعالان سیاسی وابسته به جناح اصلاح طلب در جمهوری اسلامی و نیز جبهه مشارکت ایران اسلامی و چند شخصیت و نهاد سبز حکومتی به طور جداگانه و جهت ابراز موضع نسبت به انتخابات نمایشی امسال مجلس شورای اسلامی، از مفهوم "مشروعیت" استفاده کرده اند. برای نمونه سسی و شش شخصیت معروف و در بند سبزه های حکومتی طی یک بیانیه، خطاب به جناح اصلاح طلب حکومتی خواستار شدند که چنانچه در انتخابات امسال مجلس، شرایط انتخاباتی سالم فراهم نگردد، "اجازه ندهند به عامل مشروعیت بخش انتخاباتی ناسالم و غیرقانونی تبدیل شوند". این در حالیست که جریان مذکور تا قبل از به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۸، از مطرح نمودن این مفهوم خودداری می ورزیدند و رفتار و گفتارشان به گونه ای بود که تردیدی در مورد مشروع بودن نمایش های انتخاباتی در این رژیم باقی نمی گذاشت. نیروهای اصلی ابوزیسیون در سال ۸۸ اعلام کردند که شرکت در نمایش انتخابات به جز مشروعیت بخشی به آن نمایش رژیم، چیز دیگری در پی نخواهد داشت و ادعای ایجاد اصلاحات در این رژیم اصلاح ناپذیر هیچ سود و منفعتی برای مردم ندارد. در همان زمان و در این رابطه، اصلاح طلبان حکومتی در داخل و خارج صدا برآوردند که دوران سرنگونی رژیم ها به سر آمده و تنها راه چاره، شرکت در انتخابات است. امروزه و به ویژه به دنبال خیزش های بهار عربی همگی شاهد هستند که مشارکت هایی که در طول عمر جمهوری اسلامی در نمایش های انتخاباتی شده است، چه سودی برای جمهوری اسلامی و چه زبانی برای مردم به دنبال داشته است. مگر نه این است که شماری از تحلیلگران غربی و خاورمیانه ای ناآگاه از سیستم سرکوبگرانه این رژیم و غافل از تعداد اعدام ها و بازداشت های روزانه در ایران، ادعا می کنند که جمهوری اسلامی در مقایسه با سایر نظام های سیاسی منطقه، از عنصری مجزا برخوردار است، عنصری که به زعم آنها به عنوان یکی از عوامل پیشگیرانه نسبت به خیزش توده ای در راستای سرنگونی رژیم عمل می کند و آن برگزاری این نمایش های انتخاباتی می باشد. آنهایی که تا دیروز نامشروع خواندن نمایش های انتخاباتی را غلط می پنداشتند (من باب مثال، محمد خاتمی، به جای قانون اساسی رژیم، اصلاح طلبان تندرو را به عنوان عامل عدم موفقیت اصلاح در رژیم نام می برد) - امروزه برای بیان موضع خود به ناچار به همین مفهوم توسل جستند. واضح است که آنها باز هم این مفهوم را تحریف می کنند، زیرا خواسته هایی را برای مشروعیت داشتن این نمایش ها مطرح می کنند که هیچ مشروعیتی به همراه نخواهد آورد.

گمانه زنی ها درباره ی انفجار پادگان سپاه پاسداران افزایش می یابد



با وجود گذشت نزدیک به ۱۰ روز از حادثه ی انفجار زاغی مهمات سپاه پاسداران در ایران، هنوز هم خبرهای متناقضی درباره ی چگونگی رخ دادن این انفجار و شمار کشته شدگان آن منتشر می شود.

بی بی سی براساس فهرست های متفاوتی که خبرگزاری های داخلی ایران منتشر کرده اند، شمار کشته شدگان در انفجار روز شنبه پادگان سپاه پاسداران در غرب تهران را دست کم ۳۶ نفر اعلام کرده است. این در حالی است که مسئولین جمهوری اسلامی و روزنامه های دولتی در روز پس از حادثه تعداد کشته شدگان را ۱۷ نفر اعلام کرده بودند.

در گزارش متناقض دیگری، در حالیکه سپاه پاسداران رژیم بعد از انفجار به صورت رسمی اعلام کرده بود که انفجار در هنگام جابجایی مهمات روی داده است، تعدادی از مسئولان رژیم پس از آن اعلام نمودند که این انفجار در هنگام تحقیق بر روی سلاحی صورت گرفته است که قرار بود علیه آمریکا و اسرائیل به کار گرفته شود. حسن فیروزآبادی، رئیس ستاد کل

در این انفجار اشاره می کنند و بعضی دیگر آن را بخشی از برنامه دستیابی ایران به موشکی که توانایی حمل کلاهک هسته ای را داشته باشد، می دانند.

اسرائیل به کار رود. انتشار اخبار متناقض درباره انفجار پادگان ملارد، تردیدها را نسبت به آن انفجار افزایش داد. بعضی از خبررسانی ها از جمله العربیه به دخالت دست های بیگانه

نیروهای مسلح ایران روز چهارشنبه هفته گذشته اعلام داشت که حسن تهرانی مقدم، فرمانده سازمان جهاد خودکفایی سپاه پاسداران، در حال تحقیق بر روی سلاحی کشته شده که می توانست علیه آمریکا و

اندیشیدن،

سیستم دفاعی بدن را تقویت می کند

کردن اختلالات ادراکی و دینامیک بودن احساس و ارائه ی تصویری روشن تر از کارکردهای مغز انسان است. هازل چوا ساختار تأثیرات اساسی احساس و اندیشه را مورد پژوهش قرار داده است و می گوید اندیشیدن و تفکر به ویژه در زمان هایی که انسان احساس آرامش می کند می تواند سیستم دفاعی بدن را تقویت کنند.

در پژوهشی که در یکی از دانشگاه های آمریکایی صورت گرفته مشخص شده است که اندیشیدن علاوه بر تقویت سیستم دفاعی بدن



در افزایش سلامت جسمی انسان و توانایی های او تأثیر مثبت دارد. بنا به گزارش پیامنیر، بریتا هازل رئیس بخش بهداشت و سلامت دانشگاه هاروارد به روزنامه ی تلگراف بریتانیا گفته است که هدف پژوهش، مشخص

افزایش شکاف جنسیتی در ایران



و اطلاعات مقایسه ای بین زن و مرد در محورهای اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و سیاسی، میزان برابری جنسیتی را بر اساس درصد اعلام می کند. بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۶، ایران در رتبه ی ۱۰۸ در شکاف جنسیتی قرار داشت در حالیکه در گزارش امسال این مقام به ۱۲۵ تنزل کرده است. در مقابل، بنگلادش از رتبه ی ۹۱ در سال ۲۰۰۶ به رتبه ی ۶۹ صعود کرده است. فوروم جهانی اقتصاد در گزارش سال ۲۰۱۱ خود نشان داده است که هیچ کشوری در دنیا نتوانسته شکاف جنسیتی را به صفر برساند، کشور ایسلند در مقام رتبه ی اول این گزارش، تنها توانسته ۸۵ درصد از عوامل ایجاد شکاف جنسیتی را از بین ببرد.

ایران از نظر شکاف جنسیتی دارای رتبه ی ۱۲۵ در میان ۱۳۵ کشور است. بنا به گزارش DW، این رتبه بندی از سوی مجمع جهانی اقتصاد و در رابطه با شکاف جنسیتی در کشورهای گوناگون منتشر شده است. بنابر این گزارش، ایسلند در رتبه ی نخست و ایران در رتبه ی ۱۲۵ قرار دارد. کشورهای نروژ، فنلاند، سوئد و ایرلند به ترتیب در رتبه ی دوم تا پنجم قرار گرفته اند و عربستان سعودی، مالی، پاکستان، چاد و یمن کشورهایی هستند که در آخرین رتبه ها قرار دارند. این سازمان که نهادی بین المللی و مستقل است هر ساله با تکیه بر گزارش نهادهای بین المللی مستقر در کشورها و نیز گزارش های مستقل و دولتی و آمار